روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل ، کلیه قوانین مصوبه ومقررات- گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلسین - اخبارمجلس
انتصابات - آگهیهای رسمی وقانونی

شماره ۱۷۰۳ | اشنبه ۳ دی ماه ۱۳۲۹ | سال ششم

شماره مسلسل ۹۳

دوره شانزدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۹۳

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز یکشنبه ۲۶ آذرماه ۱۳۲۹

فهرست مطالب :

۱) قرائت غائبین وطرح صورتمجلس جلسهٔ قبل
۲) تأیید لایحه اصلاح قانون انتخابات تقدیمی دولت سابق بوسیله آقای وزیر کشور
۳) بیانات قبل ازدستور- آقایان: موقر ، صدر میرحسینی ، ناصر ذوالفقاری ووزیر کشور
٤) اعلام تصویب صورتمجلس جلسهٔ قبل
٥) تقدیم دوفقره لایحه بوسیله آقای وزیردارائی
٦) طرح گزارش کمیسیون مخصوص نفت
۷) تعیین موقع ودستورجلسه بعد - ختم جلسه

***

مجلس ساعت ده وپنج دقیقه صبح بریاست آقای رضاحکمت تشکیل گردید

۱ - قرائت اسامی غائبین و طرح صورتمجلس جلسهٔ قبل

رئیس — صورت غائبین جلسه قبل قرائت می شود .

(بشرح زیر قرائت شد)

غائبین با اجازه - آقایان : اورنگ ، شوشتری کنجهٔ ، سنندجی ، صاحب جمع ، فقیه زاده ، امیر انتشاری ، طباطبائی ، معین‌زاده ، مرتضی حکمت

غائبین بی اجازه - آقایان : حسین خاکباز ، محمودمحمودی ، دولت‌آبادی ، بومند ، سرتیپ‌زاده قهرمان، توانیت ، تیمور تاش، آشتیانی زاده ، اقبال پناهی .

دیرآمدگان با اجازه - آقایان : عزیز شیبانی دو ساعت و نصف یکساعت ، صفائی یکساعت ، گودرزی دوساعت ، مهدوی ۳۰ دقیقه ، کتابوز صدر یکساعت بهبهانی یکساعت و ۳۰ دقیقه ، سلطانی دوساعت

دیرآمدگان بی‌اجازه- آقایان : حسن اکبر یک ساعت و ۳۰ دقیقه ، شهاب خسروانی یکساعت ، هراتی دوساعت ، پیراسته یکساعت ، موقر یکساعت ابریشم‌کار یکساعت ، محمد علی مسعودی ۳۰ دقیقه، دکتر کاسمی ۳۰ دقیقه .

رئیس - نسبت بصورتجلسه پیش نظری هست؟ (کهبد - اجازه میفرمائید) بفرمائید .

کهبد - ضمن پیشنهادی که بنده پریروز عرض کرده بودم عرض کردم که چون آقای وزیر راه پیشنهاد بنده را قبول کردند ازاینجهت بنده پیشنهادم را مسترد نمودم و در اینجا ذکر شده است عرض دیگر بنده این است که طبق ماده ۱۶۹ اخطار نظامنامه دارم سؤالاتی از دولت شده است و مدتی گذشته است و حاضر برای جواب نمی شوند استدعا از مقام ریاست دارم مقرر فرمایند زودتر برای جواب حاضر بشوند برای اینکه میلیونها ضرر بخزانه دولت وارد شده‌است

رئیس - آقای بهادری بفرمائید .

بهادری - متأسفانه در صورتمجلس با وجود تذکراتی که داده شده باز هم اغلاطی دارد از مقام ریاست تقاضا دارم دستورفرمایند این قسمت رارعایت بکنند از طرف دیگر در جلسه پیش به شهدای آذربایجان اشاره نمودم عده ای از خانواده های شهدای آذربایجان ببنده مراجعه کرده اند که تا حال دولت‌راجع به‌مستمری خانواده‌آنها توجهی ننموده‌اند بنده ازدولت مخصوصاً تقاضادارم نسبت‌بمستمری آنها توجهی داشته باشند .

رئیس - آقای حائری‌زاده بفرمائید.

حائری‌زاده - درقسمت بیانات من یکی دو اشتباهی در مطبعه شده است که آنرا تصحیح میکنم ومیدهم بتند نویسی‌خواستم تذکری داده باشم

رئیس - اصلاح میشود دیگر نظری نیست ؟ (گفته شد خیر) صورتمجلس بعد تصویب میشود .

۲- تأیید لایحه اصلاح قانون انتخابات تقدیمی دولت سابق بوسیله آقای وزیر کشور

رئیس — آقای وزیر کشور فرمایشی‌دارید؟ بفرمائید .

وزیر کشور (آقای امان‌الله اردلان)- عرض بنده مختصر است در یکی از جلسات قبل آقای‌صدر زاده نماینده محترم راجع به‌قانون انتخابات‌اظهاراتی فرمودند که بنده هم با جناب آقای نخست وزیر مذاکره کردم و دولت حاضر موافق است که همان لایحه پیشنهادی دولت سابق در مجلس شورای ملی مطرح شود بنابراین از ریاست محترم مجلس‌شورای ملی تمنی‌دارم که بریاست کمیسیون کشور اطلاع بدهند که بنده حاضر برای ادامه مذاکرات در کمیسیون هستم تاگزارش کمیسیون بعرض مجلس شورای ملی برسد (احسنت) .

حائری‌زاده - طرح قانونی در دستور هست طبق همان رفتار بفرمائید .

* عین مذاکرات مشروح نود و سومین جلسه از دورهٔ شانزدهم قانونگذاری

اداره تندنویسی وتحریر صورت مجلس

۳ - بیانات قبل از دستور آقایان موقر - صدرمیرحسینی - ناصر ذوالفقاری و وزیر کشور

رئیس - چند نفر از آقایان تقاضای نطق قبل از دستور کرده اند . آقای موقر .

موقر - ملت ایران بحکم همکیشی و همجواری و سایر جهات کمال علاقه بتشیید روابط حسنه و تزیید مناسبات و دادیه بین ملتین ایران و عراق را دارد این علاقه و توجه ملت ایران نسبت بعراق امری است طبیعی . در درجه اول از لحاظ همکیشی است همکیشی ایرانی و عراقی جنبه خاصی دارد اما کن متبر که که در هر دو کشور وجود دارد مورد تکریم و احترام هر دو ملت است همه ساله هزاران زوار از عراق بایران و دهها هزار زوار از ایران بعراق برای تشرف بزیارت عتبات عالیات آمد و شد میکند

در درجه دوم از لحاظ همجواری است . بین ایران و عراق رودهای مشترك و کوه های مشترك و جلگه های مشترك و مراتع مشترك وجود دارد طبعاً اشتراك در اینگونه مسائل تولید روابط میکند و تشریك منافع را ایجاد مینماید

در درجه سوم از لحاظ ارتباطی است که هر دو کشور در عرصه سیاست بین المللی دارند هر دو کشور ایران و عراق در قلب خاورمیانه که از حساس ترین صحنه های سیاست بین المللی است واقع شده و توجه دول غربی و شرقی و کمونیستی و سرمایه داری باین دو مرکز حساس معطوف است در این جهان آشفته و اوضاع بحرانی و تشنجات بین المللی بر هر دو کشور عراق و ایران است که کاملا بیدار و هوشیار باشند و علاقمند به سرنوشت یکدیگر باشند زیرا اگر خدای نخواسته خطری متوجه ایران شود عراق مصون نخواهد ماند و بالعکس

در درجه چهارم از لحاظ منابع نفت و اهمیت روز افزون نفت است در جهان اقتصادیات بین المللی . هر دو کشور ایران و عراق دارای منابع سرشار نفت هستند و نفت مورد احتیاج و علاقه شدید کشورهای صنعتی است و موضوع نفت در سیاست بین المللی بقدری اهمیت دارد که نفت یك سیاست خاصی را ایجاد نموده و چه بسا کشمکشهای بین المللی است کریشه آن را باید در نفت جستجو نمود

در درجه پنجم از لحاظ عقب ماندگی هر دو ملت است از قافله تمدن عصر اتم با آنکه ملتین عراق و ایران روزی هر دو از متمدن ترین و مقتدرترین و عزیزترین ملل جهان محسوب بودند بدبختانه امروزه هر دو از کشورهای ضعیف و کوچك و عقب مانده به شمار میآیند و سطح زندگانی در هر دو کشور خیلی پائین است و هر دو ملت دست بگریبان فقر و فاقه و جهالت و بی سوادی هستند طبعاً این وضعیت نامطلوب تحریك حس همدردی می کند چون باتوجه به سوابق تاریخی می بینیم که عظمت و انحطاط هر دو ملت تقریباً در یك زمان بوده و در عرض یکدیگر قرار داشته محقق و هویدا است که ترقی ایران بی تاثیر در سرنوشت عراق نیست و بالعکس

و بالاخره ایران و عراق سوابق ممتد تاریخی دارند و چون این مبحث خیلی مفصل و دامنه دار است فعلا در این موضوع وارد توضیحاتی نمیشوم

با توجه باین حقایق بر هر دو ملت ایران و عراق فرض و واجب است که هرچه بیشتر بهم نزدیك و متحد و متفق و یگانه شوند و از ایجاد نفاق و شقاق بپرهیزند البته از هر جهت موجبات اتحاد و اتفاق واجد و موجبات نفاق و شقاق فاقد است .

چرا ایران و عراق با هم نفاق داشته باشند و از داشتن نفاق چه نفعی عاید طرفین میشود ؟ وقتی که بقضاوت تاریخ نگاه کنیم می بینیم که در اثر بروز نفاق بخصوص بین کشور های همجوار است که موجب فنا و اضمحلال بسیاری امپراطوریهای عظیم شده است .

سلاطین باعظمت هخامنشی بزرگترین امپراتوری جهان را پی افکندند و تمدن و قدرت و شوکتی عظیم فراهم آوردند ولی نتوانستند کشور یونان را آسوده در جوار خود ببینند لشگر انبوهی گرد آوردند و رفتند آتن را آتش زدند طولی نکشید که اسکندر مقدونی بخونخواهی بر خاست و سلسله هخامنشی را منقرض و تخت جمشید را که مهد قدرت و عظمت و زیبائی دنیای متمدن بود طعمه حریق ساخت .

آنگاه بین یونان و رم نفاق برخاست در نتیجه عظمت یونان از میان رفت و منتقل برم شد و رم بساط امپراتوری عظیمی گسترد .

در این ضمن روح شکست ناپذیر ایران تجلی نمود و سلسلهٔ عظیم الشأن ساسانی پدیدار گشت این سلسلهٔ جلیل القدر عالی ترین مظهر تمدن بشری را بوجود آورد ولی امپراطوری رم نتوانست ایران مقتدری را در جوار خود ببیند و بالنتیجه بایکدیگر گلاویز شدند امپراطوری ایران و رم ششصد سال با هم جنگیدند آنقدر ثروت و مکنت و قدرت یکدیگر را بباد فنا دادند و آنقدر جوانان یکدیگر را کشتند تا عاقبت بقدری خسته و فرسوده و ناتوان شدند که هر دو از یك ملت کوچکی شکست خوردند و فنا شدند

باز روح فنا ناپذیر ایران در دودمان سلسلهٔ صفویه تجلی نمود و تمدن درخشانی بوجود آورد ولی سلاطین مقتدر عثمانی نتوانستند با سلاطین عظیم الشأن صفویه که همجوار یکدیگر بودند از راه سازش و صلح و صفا درآیند و این دو امپراطوری که از کشورهای باعظمت عصر خود بودند بقدری با هم ستیزه کردند تا هر دو اینك کوچك و ناتوان شده اند و از اعداد امپراطوری های بزرك جهان بیرون رفته اند .

به زمانی نزدیك بخود مراجعه کنیم : در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم فرانسه و آلمان از عظیم ترین کشورهای عصر خود بودند این دو کشور هم با آنهمه تمدن و علم و فرهنك نتوانستند از گذشته اندرز گیرند و آنقدر باهم جنگیدند تا اینکه هر دو باین روز افتاده اند .

ملت ایران کمال آرزو را دارد که با همسایه کشور های همجوار خود دارای روابط حسنه باشد ایرانی نه تنها هیچگونه نظر سوئی نسبت به عراق ندارد بلکه نهایت علاقمند است حسن همکیشی همکیش و همجوار خود مناسبات ودادیه هرچه بیشتر داشته باشد بر ملت عراق واجب است که نه تنها با ملت دوستدار و خیر خواه خود با مهربانی نورزد بلکه آن ها هم باید عواطف متقابله برادری را ابراز دارند تا هر دو ملت در کنار هم و همجوار از مزایای دوستی و یگانگی برخوردار باشند

برای جلب توجه و محبت اولیای عراق نسبت به روابط فیمابین بنده لازم میدانم گله های دوستانه که ملت ایران از ملت عراق دارد بعرض برسانم و انتظار دارم اولیای امور دوراندیش عراق در رفع مشکلاتی که فیمابین هست بذل همت فرمایند:

اولین گله ما نسبت برفتار غیر مطلوبی است که در باره زوار ایرانی در عراق بعمل میآید (صحیح است) سالی بالغ بر ۵۰۰۰۰ نفر زائر از ایران بعراق میروند اگر هر زائری ۵۰ دینار یعنی ۷۰۰۰ ریال در عراق خرج کند می شود (۳۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال یعنی سالی اقلا (۳۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال از ثروت ملی ایران کسر و بر ثروت ملی عراق افزوده میشود (صفوی — نصف بودجه عراق را این زوار میدهند) این ۵۰۰۰۰ نفر آن کسانی هستند که با گذرنامه و روادید بعراق میروند عده زیادی هم بدون رعایت تشریفات قانونی یعنی قاچاقی بزیارت میروند که اعداد آنها معلوم نیست اولیاء عراق گذشته از جنبه همکیشی و همجواری مقتضی است اقلا از لحاظ اقتصادی و مالی هم شده توجه بیشتری درباره این زوار مبذول دارند (صحیح است) فعلا طرز رفتار مأمورین عراقی با زوار ایرانی بجهات زیر رضایت بخش نیست

الف - از هر زائر ایرانی مبلغ ۱۷۰ ریال بعنوان بهای روادید دریافت میدارند این مبلغ زیاد است و عادلانه نیست

ب — مدت اعتبار این روادید فقط یکماه است زوار پس از انقضاء یك ماه مجبورند مبالغی بپردازند و تمدید بخواهند این دریافت تمدیدهم مبالغی بر زوار مجدداً تحمیل میشود و هم مدتی وقت آنها را میگیرد و ضایع میکند

ج — بهای پروانه اقامت اتباع ایران را در عراق اخیراً از ۷۵۰ فلس که ۱۵ شلینك است به ۱۲۵۰ فلس که ۲۵ شلینك است ترقی داده اند این تاکس گزاف نه تنها از اتباع ایران مقیم عراق دریافت می دارند حتی از زواری که هزار گونه عوارض میپردازد اگر مدت اقامت آنها در عراق از یکماه تجاوز کرد دریافت می دارند این تحمیلات برای زوار ایرانی طاقت فرسا است

د — هر زائر ایرانی مجبور است اول بسفارت عراق در تهران یا قونسولگری عراق در خرمشهر و کرمانشاه مراجعه نموده و گذرنامه خود را بروادید مأمورین عراقی برساند و برای مرتبه دوم موقع ورود بمرز عراق باید گذرنامه خود را بمأمورین عراقی ارائه بدهد و برای مرتبه سوم موقع خروج از مرز باید همین تشریفات بعمل آورد با این جریانات علت ندارد که باز زوار ایرانی باسم ثبت گذرنامه در ظرف دو هفته اول ورود و باز باسم پروانه اقامت با دادن جرائمی بعنوان عوارض مکرر در مکرر بدوائر عراقی مراجعه کنند با عدم آشنائی زوار ایرانی باوضاع محلی عراق این تشریفات زیاد غیر از تولید زحمت آنها نتیجه ندارد

دوم - بانك ملی ایران باعتبار استقبال زوار

ایرانی و عراقی نسبت به کشور یکدیگر لازم دانست برای تسهیل مراودات بانکی و مالی شعبهٔ در بغداد تأسیس کند و هرچند اکنون در بغداد و سایر شهر های مهم عراق از قبیل بصره و غیره بانکهای متعدد خارجی از قبیل بانك اتومان و بانك انگلیس و بانك عربی و بانك ایسترن و بانك ایتالیائی وجود دارد تا کنون اجازه نداده اند بانك ملی ایران شعبه در بغداد یا بصره تأسیس کند .

سوم — عده کثیری ایرانی چه زوار و چه آنهائی که مقیم عراق هستند عادت و علاقه به کشیدن سیگار و سیگارت ایرانی دارند و هرچند سیگارتهای انگلیسی و امریکائی وغیره در عراق یافت میشود ولی مانع ورود سیگار و سیگارت ایرانی بعراق هستند البته این نمونه کوچکی است از اشکالات که در راه بازرگانی بین ایران و عراق فراهم میآورند

چهارم — بطور کلی رفتار مأمورین عراق درباره ایرانیان مقیم عراق رضایت بخش نیست از جمعیت سه یا پنج میلیونی عراق اقلا یك میلیون ایرانی است که نیم میلیون آنها با گذرنامه ایرانی بسر میبرند و نیم میلیون دیگر از شدت تحمیلات و تضییقات ترك تابعیت کرده اند بدبختانه هنوز این تضییقات بر نیم میلیون باقی مانده ایرانی برقرار است و حال آنکه ایرانیان حقوقی در عراق دارند و حقاً انتظار رفتار بهتری را دارند . چه بسا هدایای گرانبها و جواهرات ذیقیمت و وجوه بر یه که در طی سالیان دراز از طرف سلاطین و سرمایه داران ایرانی به اماکن متبرکه عراق نذر و نیاز شده و میشود چه بقاعی که از طرف ایرانیان بنا شده همین اواخر بود که مرحوم حاج معین بوشهری از کوفه به نجف از جیب فتوت خود لوله کشی آب نمود والی سابق پشتکوه برق شهر کربلا را احداث نمود مرحوم حاج محتشم السلطنه بنای صحن حضرت سید محمد نزدیك سامره را بعهده گرفت طایفه حاج آقا حسین چندین پارچه ده در ایران وقف تنویر اماکن متبرکه نموده و هم اکنون دولت ایران همه ساله هزینه نگاهداری مقابر امیر کبیر و میرزای شیرازی و آقا محمد خان در نجف و مظفرالدین شاه و محمدعلی میرزا و احمد شاه در کربلا و غیره میپردازد و بفر جهت بمناسبتهای مختلف ثروت معتنابهی همه ساله از ایران به عراق منتقل میشود و انصاف نیست در ازای این خلوص و ارادت ایرانی از طرف برادران عراقی خود بیمهری و خشونت ببینند .

پنجم — وقتی که ایران بتاخت از طرف همسایگان شمالی و جنوبی مورد تهاجم قرار گرفت دولت عراق بجای ابراز همدردی و برخلاف شیوه همجواری بمرز ایران تجاوز نموده و سه پاسگاه ایرانی را اشغال نمود و این سه پاسگاه را هنوز غاصبانه در تصرف دارند و مسترد نداشته اند .

ششم — از لحاظ روابط فرهنگی هم جای گله باقی است (حائری — بدواً باید تذکر داده شود که اقدام بکند) زبان عربی در تمام مدارس دبیرستانهای ایران رسمیت دارد و تمام مدعیان ملاحظه نمایند رفتار برادران عراقی ما نسبت به ایران مقیم عراق چه بوده تدریس زبان فارسی از چه قرار است در زبان عربی فارسی از لحاظ وسعت دامنه ادبیاتش مورد احترام دنیا جهان است (صحیح است) زبان فارسی در بزرگترین و معتبرترین دانشگاههای خارجه در انگلستان و امریکا و فرانسه و آلمان و روسیه وغیره تدریس می شود و مورد قبول است ولی دولت همجوار ما با داشتن آنهمه ارتباطات تاریخی و فرهنگی و با اینکه یکربع جمعیت عراق ایرانی الاصل هستند بهیچوجه حاضر نشده اند زبان فارسی را در مدارس خود بشناسند و از تدریس آن مانع می شوند کار سخت گیری عراقی در باره زبان فارسی بجائی رسیده که چون ایرانیان پنج دبستان و یك دبیرستان ایرانی در عراق دارند مؤسسات فرهنگی عراق مانع دخول محصلین این مدارس در مدارس خود میشوند ما با انجمن روابط فرهنگی ایران و پاکستان و هندوستان و انگلیس و امریکا و حتی چین داریم ولی هنوز در نتیجه سختگیریهای عراق انجمن روابط فرهنگی ایران و عراق نداریم (دکتر راجی - اگر رفراندم شود اکثریت شهرهای عراق ایرانی هستند) .

هفتم : یکی از گله های عمده و اساسی ما عدم اجرای عهدنامه امور شط العرب است که در سال ۱۳۱۶ بین ایران و عراق منعقد شد اساساً باید دانست که یکی از مرزهای بسیار طبیعی بین دو کشور وجود رودخانه است و وقتی رودخانه بین دو کشور قرار گرفت هر دو کشور متساویاً حق استفاده و مداخله در آن را دارند شط العرب حد فاصل جنوبی ایران و عراق است یعنی خط وسط المیاه باید خط فرضی بین دو کشور باشد در تأیید این نظریه قراردادی راجع بامور شط العرب بین ایران و عراق در ۱۳ سال پیش منعقد شده ولی هنوز عراقیها حاضر باجرای آن نشده اند مثلا ماده ۵ این عهدنامه میگوید .

« نظر باینکه طرفین متعاهدتین بطوری که در ماده ٤ این عهدنامه تصریح گردیده منافع مشترك در کشتیرانی شط العرب دارند متعهد میشوند قراردادی راجع به نگاهداری و بهبود راه کشتیرانی و حفاری و راه نمائی و عوارضی که باید اخذ شود و تدابیر صحی و اقداماتیکه باید برای جلوگیری از قاچاق بشود و همچنین کلیه مسائل راجع به بحر پیمائی در شط العرب منعقد سازند »

همچنین پروتوکلی منظم باین عهدنامه است که ماده ۲ آن از اینقرار است

طرفین متعاهدتین معظمتین تعهد می کنند که در ظرف یکسال از تاریخ اجرای عهدنامه قراردادی که بموجب ماده ۵ آن پیش بینی شده منعقد سازند هرگاه باوجود بذل مساعی طرفین قرار داد مذکور در ظرف مدت یکسال بامضاء نرسید طرفین میتوانند این مدت را باتفاق یکدیگر تمدید نمایند »

عراقیها تا کنون کمترین عنایتی در اجرای این عهدنامه و این پروتوکل ننموده و حتی زحمت درخواست تمدید مدت را هم بخود نداده اند و تمام درآمدهای شط العرب که نصف آن تعلق بایران دارد تصاحب نموده و در عراق خرج تأسیس مدارس بحر پیمائی و غیره میکنند .

هشتم — موضوعی که بیش از تمام این موارد خاطر ما را آزرده می سازد تقدم است که راجع به تشکیل حکومت قدرتمند عربی در خلیج فارس باشر کت بعرین که یکی از ولایات ایران است و کویت و مسقط و عمان و آن قسمت از ایران بمعرض اجرا میگذارند که دولت عربی نمایندگان میفرستند (چند نفر از نمایندگان — هر کس چنین چیزی گفته غلط کرده) (صفائی — اصلا عراق یکی از ایالتهای ایران است) (آزاد - چرا قبل از مطرح شدن نفت این صحبتها را نمی کردید حالا که موضوع نفت بمیان آمده است از این حرفها میزنید میخواهند دو مملکت را بهم بیندازند) من کار بنفت ندارم من میخواهم ثابت کنم که خوزستان ایرانی الاصل بوده (صحیح است)

عجبا ! وقتیکه سلاطین عظیم الشأن هخامنشی و ساسانی در شوش کاخهای مجلل برپا میساختند و در چندی شاپور بزرگترین دانشکده پزشکی عالم متمدن را تأسیس کردند و سدشادروان شوشتر و سایر سدها و پلها میساختند و خوزستان را بشکل معمورترین قطعه جهان درآورده بودند عربها کجا بودند عراقیها بجای اینکه سعی کنند حقایق تاریخی را منکر شوند خوبست بخرابهای طاق کسری در نزدیکی بغداد که باغ «دان» بوده توجه کنند چون بنده نمی خواهم برادران عراقی خود را آزرده خاطر سازم بیش از این در این خصوص عرضی نمیکنم ولی در اینجا بی اختیار این شعر بخاطرم می آید که میگوید

هان دیده عبرت بین از دیده نگه کن هان
ایوان مدائن را آئینه عبرت دان
ما بارگه دادیم این رفت ستم بر ما
بر قصر ستمکاران گوئی چه رسد خذلان

بهر جهت چون منظور بنده از این بیانات توضیح توقعات ایرانی از برادران عراقی میباشد بنده سعی کرده مطالب خود را بطور اختصار و فشرده که منطبق با حوصله آقایان نمایندگان باشد بعرض رسانم امیدوارم برادران عراقی ما باتوجه و احترام باحساسات ملت دوست و همجوار و همکیش خود اقدامات اساسی در تشیید روابط حسنه فیمابین بنمایند تا انشاءالله طرفین از این حسن مناسبات بهره مند و مستفیض شوند (احسنت)

رئیس - آقای صدرمیرحسینی.

صدر میر حسینی — نه ماه از سال ۲۹ میگذرد و بودجه کشور هنوز مطرح نشده است (صحیح است) و اگر چنانچه بودجه مطرح شده بود در اطراف بودجه و کلای محترم یك نظریاتی داشتند و یك اعتراضاتی داشتند که می بایستی بعمل بیاید و بعمل نیامد (صحیح است) بطوریکه در بودجه های تفصیلی نگاه بکنیم می بینیم که یك هزینه های زیادی بکشور تحمیل شده که بایستی این هزینه ها بطور کلی حذف شود. بنده از نظر ادای وظیفه ئی که دارم خاطر نمایندگان محترم را به هزینه های زیادی که هست متوجه میکنم و انتظار دارم که خود آقای وزیر دارائی برای حذف این بودجه های زیادی هرچه زودتر خودشان پیشنهاد حذفش را بمجلس تقدیم کنند (اسلامی — صحبت دیگر از این چیزها گذشته است) مقصودم برای سال آینده است امسال که البته نه دوازدهم تصویب شده رفته (بهادری — دولت خودش بودجه را پس گرفت) (دکتر جلالی — دولت پس نگرفت آقا) (اردلان - پس گرفت آقا) یکی از هزینه های زیادی که الان هست در اداره املاك خالصه است سی و شش میلیون ریال در آمد این املاك را وزارت دارائی تثبیت حضرتعالی و ۲۶ میلیون آنرا هزینه تعیین کرده ده میلیون ریال این اضافه درآمد دارد چرا

بایستی بودجه این اداره وجود داشته باشد؟ چرا این املاک را تقسیم نمیکنند؟ چرا این املاک‌را بمزایده اجاره نمیدهند؟ چرا؟ اگر اجاره بدهند من اطمینان میدهم که صد میلیون ریال درآمد اینها بشودوهزینه‌ئی هم نداشته باشد همان اقساطی را که تحویل‌میدهند وصول بکنند. برای اداره خالصه یك اداره حقوقی معلوم کرده‌اند که ۸ میلیون ریال درسال بودجه‌اینست یك اداره خالصه‌ئی که‌در سال ۳٦ میلیون‌ریال‌درآمد دارد دیگر چرا باید یك اداره حقوقی داشته باشد که هشت میلیون‌ریال بودجه‌اش باشد؟ چراچه‌دعوائی دارد؟ اداره خالصه با که دعوا دارد؟ برای چه این اداره باید باشد ؟ برای چه ؟ آقای وزیر دارائی حذفش نمیکنید ؟ چرا نمیخواهند اجاره بدهند؟ چرا این املاک را عیناً واگذار نمی کنند به وزارت کشاورزی که اینها را بنام مزارع نمونه‌آباد بکند؟ چرا؟معلوم نیست برای چه این‌کاررا نمیکنند؟ یکی دیگر ازهزینه‌های زیادی که هست اداره کل‌ساختمان کشور است . در سال یك مبلغ هنگفتی هزینه این اداره است. این اداره چکاره است ؟ هرچه‌ساختمان در کشور هست تمام اینها بمناقصه برگذار میشود هر یك از ادارات‌یك‌اداره مستقل ساختمان برای‌خودشان دارند- این اداره کل ساختمان برای چیست ؟ بنده برای نمونه عرض میکنم یك مهندس سال گذشته فرستادندبرای کرمان‌جهت ساختمانهای مدارس‌دولتی، همان جاهائی را که مهندس مناقصه داده بود متری ۱۸۰ تومان. از همان نمونه بهتر وبامصالح‌مرغوبتر در خارج ساخته‌اند ، متری ٦۰ تومان بعد معلوم‌شد که این آقای مهندس چرا اینکار را کرده است ؟ برای اینکه این آقا اصلا متخصص ساختمان نبوده، یك مهندس برق بوده فرستاده‌اند آنجا. برای‌چه‌این کار را میکنند ؟ چرا؟ (نورالدین امامی — مهندس جیب بوده) اینها را باید خودآقای وزیر دارائی‌هر چه زودتر یك راهی برای اصلاح آن پیش بگیرند و بودجه‌های زیادی‌را حذف کنند . چرا باید این بودجه سربار کشور بشود باید یکسال معطل‌شوند تا وقتی بودجه‌اش بگذرد، تازه آنوقت عمل‌نمیکنند موضوع اساسی که میخواستم عرض کنم موضوع تفریغ بودجه است ، هیچ دیده نمیشود که ازمخارج کشور صحبتی بمیان بیاید یا صورت جمع و خرج کشور از طرف دیوان محاسبات بمجلس‌تقدیم‌بشود، چکار میکند این دیوان محاسبات ؟ در مقابل کی مسئولیت دارد ؟ یك دفعه در مقابل این بودجه‌هائی که می بمجلس میآید یك دوازدهم و دو دو ازدهم تصویب میشود در مقابلش هم یك‌صورت جمع تقدیم مجلس شود ولی تا حالا داده نشده . چرا نبایستی رسیدگی شود ؟ چرا نبایستی مجلس از تفریغ بودجه‌اطلاع‌داشته باشد ؟ این دیوان‌محاسبات چکار میکند ؟ بنده یك پیشنهاد دادم اینجا که این دیوان محاسبات بیدو دسته تقسیم بشوند یك دسته بکلیه حسابها تا آخر سال ۳۲۸ در ظرف یك مدت معینی که از طرف مجلس معین میشود رسیدگی کنند دسته دوم به بودجه کشور درسال ۲۹ رسیدگی کند رسیدگی بودجه کشور بجریان عادی بیفتد تا آخر خرداد سال ۳۰ بودجه کشور را رسیدگی بکند و نتیجه آن را در اول خرداد سال مجلس تقدیم کنند که اینقدر بودجه و رسیدگی بامور محاسباتی کشور اینقدر بتأخیر نیفتد.وضعی که فعلا هست صحیح نیست هیچ معلوم نیست جمع وخرج کشور بچه‌صورتی در می‌آید. هیچ تاکنون دیده‌نشده که یك‌محاسبه‌ئی بمجلس تقدیم بشود همه‌اش هی بودجه می آورند تصویب می کنند هی بودجه می‌آورند تقدیم میکنند اینکه زندگی نمیشود (صحیح‌است) اصلا چند سالست بودجه‌تصویب‌نشده‌است.اصلازیحساب‌معلوم‌نیست کیست ذیحساب ده سالست مرده، معلوم نیست مسئول این‌محاسبه کیست؟ بعداً هم میمیرند و میروند ومعلوم نیست‌چه چیزهائی پیدا بکنند؟ (صحیح‌است)چرا آقای وزیر دارائی نسبت باین موضوع رسیدگی نمیکنند. بنده استدعا میکنم از همه آقایان نسبت بدیوان محاسبات یك تصمیم قطعی اتخاذ بکنند که وضعیت محاسبه کشور دچار این هرج و مرج نباشد و هرچه زودتر تکلیف این بودجه معلوم شودهی می‌آورندداینجا بودجه‌یك‌دوازدهم‌ودودوازدهم‌سه‌دوازدهم‌تصویب‌میشود میرود پی کارش، معلوم نیست بکجا سرازیر میشود . بنده از آقای وزیر دارائی‌سئولات دیگری دارم که می‌خواستم از خود ایشان بکنم ودر اطراف این بودجه یك صحبتهای دیگری بکنم ... (دکتر طبا — آقایان وزرا هیچوقت نمی‌آیند) درمقابل کی‌مسئول هستند؟ مجلس که ازآنها بازخواستی نمی کند(صفائی همین‌گفتار شما بازخواست است)اگر می کرداینطور نمیشد (مکی- وزیردارائی بیرون نشسته بگوئیدبیاید گوش کند) بنده پیش از این عرض نمیکنم بنده عرائضم را موکول می کنم بجلسه آینده (احسنت صحیح است)

رئیس- آقای ناصرذوالفقاری .

ناصرذوالفقاری - بنده خیلی متأسفم که از اعضای دولت هیچکس‌دراین‌جا حاضرنیست.این‌نیست مگر بی‌اعتنائی‌دولت بمجلس شورایملی (صحیح‌است) (صفائی- قبل از دستورآقا الزامی‌نیست) بایداعضای دولت اینجا حاضر باشند و مطالبی که گفته می‌شود گوش کنند موضوع قابل توجهی که باید دولت نسبت بآن روش صریح وروشنی اتخاذ نماید موضوع‌فرار سران حزب منحله‌توده وخائنین باستقلال کشور است (صحیح‌است) ملت ایران نمی‌تواند قبول کند که این فرار بااین‌شکل مرموز جریان عادی وامر ساده‌است بنابراین بنده مصراً ازدولت می خواهم دست های ناپاکی را که در این امر شرکت داشته با جریان واقعه هرچه زودتر بعرض مجلس شورایملی و ملت ایران برساند.

بازهم تکرار می کنم اعلامیه ای نظیر اعلامیه اداره کل شهربانی قانع کننده‌ماتبسه‌دومات ایران‌حقیقت راغیرازاین‌می‌داند(جمال‌امامی- چیزی‌نیست آقامیایند و میروند و باکسی کاری ندارند) معمول دولت ها تاکنون این بوده است که وعده‌های زیاد بملت ایران و مجلس شورایملی بدهند بدون اینکه فکر توانائی خود یا فرصت انجام آنرا نمایند و بدون توجه‌بشان آنان ضمانت اجرای واقعی نداشته ویاآنکه هم داشته است بموضع اجرا نگذارند از اینجهت بعمل‌آمده برنامه قرون وسطائی اسلامی در حال [illegible] در این مسابقه [illegible] زیر کنتر بوده‌اند مواد برنامه‌را بیشتر ووعده‌اصلاحات را چربتر و بالاخره دامنه وعد و وعید را هر چه می‌خواسته‌اندبالاتر گرفته‌اند .

حکایت آن شخص را یقین شنیده‌اند که‌بدیگری گفت این یك‌خروار بارتوست بردارو‌برو پاسخ داد من که نمی‌توانم ببرم بگو صد خروار برای دولتهای ما نیز چه تفاوت می کند که در برنامه‌های خود عوض وعده مبارزه با مالاریا مثلا تصرف کره مریخ رابرای اهالی ایران بگنجانند .

وقتی‌مسابقه در عمل را کنار گذاشتند و مسابقه در الفاظ را معمول ساختند پیروزمند آن دولتی که وعده بیشتر بدهد و کمتر بوعده عمل کند ماجرای وعده دولت‌ها بمجلس‌شورایملی و ملت ایران‌یك‌باب تأثر انگیزبرسایر ابواب حزن‌آور این کشورافزوده است وعده استقرار امنیت وعدالت و توسعه فرهنك و بهداشت‌مبارزه‌بافسادودزدی‌رشوه خواری وغیره ذالك آنقدرتکرارشده که تکرارمجدد آنها اسباب رسوائی شده‌است . شخصی‌میگفت وقتی‌یك‌شوخی کردید کسی نخندید آنقدر آنرا تکرار کنید تا خلق ازتکرار آن بخندند تکرارشوخی ها دراین‌مملکت سیل‌خنده راه انداخته و باید سرانجام با یك قیافه جدی باین شوخی‌ها خاتمه داد دولت ها پشت سرهم میآیند و وعده هائی میدهند که توانائی یا فرصت انجام آنرا ندارند وقت مجلس را با بحث دراطراف مشتی‌الفاظ میگیرند ومردم را بمباحثات بی‌دربی‌دلخوش میسازند وچون ضمانت اجرا یا حساب و کتابی درکارنیست‌بعد ازچند روز یا چند ماه میروند ومردم و مجلس را به دولت بعدی ببرنامه بعدی وبمباحثات بعدی وبمواعید پوچ بعدی می‌سپارند .

ای کاش دولتها با توجه بقاعده الاهم فالاهم و با توجه بتوانائی وفرصت خودشان بعوض وعده های زیاد فقط وعده تهیه دوا وتأمین غذا و توسعهٔ فرهنك را بمردم میدادند .

یکی ازدوستان من تازگی ازامریکا نوشته‌است که درمطبوعات آنجا مردم‌ایران توصیه کرده اند که قبل ازهر چیزبفکر دوا وغذا باشند .

حساب خیلی روشن است ایرانی ذاتاً اصیل وهوشیار وعلاقمند به آب وخاك اجدادی است امنیت واستقلال وتقوی را ستایش می کند شکم اورا سیر کنید وعده استقرارامنیت را ازمواد برنامه دولت ها حذف کنید جسم او را از هجوم امراض نجات دهید برای اومدرسه باز کنید موضوع مبارزه با دزدی و فساد را ازبرنامه دولتها حذف نمایید .

جلوی تقلیل دوازدهم جمعیت‌ایران راکه‌دارد از گرسنگی وبیماری روبافزایش میرود باین ترتیب باید گرفت وهمانطور که سابقاً هم عرض کرده ام [illegible] ومعلم باید شمار دولتها [illegible] عملیات [illegible] باشد .

[illegible] می کنیم که [illegible] بحثی خواهیم کرد [illegible] چه [illegible] با حکم [illegible] [illegible] اسلامی [illegible] [illegible] چند [illegible] مملکتی [illegible]

خود را خواهند داشت باشد .

هم اکنون که همه ما درست کم از نعمت حد اقل زندگی برخوردارهستیم مردم آواره شهرستانها در این اندیشه اند کهسردر کدام کوه وبیابان گذارند و دست دردامان چه کسی درآویزند .

مردم این مملکت دردنیای امروزچنان خوارو زبون افتاده اند که نظیرآن درهیچ دوره ازتاریخ ما اتفاق نیفتاده است هیچ وقت خطربااندازه امروزبملت ما رو نیاورده‌است زیرا هروقت هم‌خطری بوده‌است درملت رمقی برای مقابله باآن وامیدی برای زهائی ازآن وجود داشته است من ازآن دوران و از آن مردان صحبت نمی کنم که‌هروقت نام ایران‌رامیشنیدند دلهاشان‌بوجددرمیامدواز‌جان ومال درراه‌وطن کوتاهی نمی کردند من ازمردان وزنانی صحبت نمیکنم که‌هر وقت وطن درخطرمیافتاد قد مردانگی علم میکردند وخود را به آب و آتش میزدند بقول معروف آن مردان خوب براسبان خوب نشستند ورفتند وخدایشان بیامرزد که هرچه امروزهم داریم ازبرکت مردانگی آنان‌داریم .

امروزکاررسیده است بجائی که ذخیره مادی و معنوی اجدادی هم تمام شده ومتأسفانه دیگر ممکن نیست که ازافتخارنیاگان بزرگوارپیش از این مایه گذاشت وبحساب ایشان اطمینان دادومردم رافریفت مگرتاکی میتوان مردم گرسنه شهرستانها را بخوان کرم نیاگان وحواله دشمنان را بیال وکوپال رستم داستان داد .

هیأت‌حاکمه این مملکت معلوم نیست بکدامین مبداء عقیده دارند که آن مبدء با نجات ملت ایران مباینت دارد اگرمبداء ایشان خداست که‌خداوندمتعال همواره برخلق خود عموماً وبرملت خداپرست ایران خصوصاً نظر عنایت دارد اگرمبداء ایشان وجدان است که هیچ وجدانی راضی به نابودی مردم قانع زحمت کش بردباری مثل مردم ایران نمی شود اگرمبدأ ایشان‌جاه‌ومقام‌است که‌بنابفرمایش‌اعلیحضرت همایون شاهنشاهی حتی‌سلطنت‌هم‌بریك‌ملت‌فقیرافتخاری ندارد .

بهر حال‌مقام وجاه‌ایشان تا وقتی محفوظ خواهد ماند که‌ملتی در کار باشد من از گذشته صحبت نمی کنم وبدیروز اشاره‌میکنم که‌یکی ازعظیم‌ترین مخاطرات بحیات‌کشور ایران روی آورد و نزدیك بود آذربایجان عزیز ازدست برود ولی‌بازهم ازاراده خلل ناپذیر اعلیحضرت همایونی با استمداد از روح عالی میهن‌پرستی مردم آن‌سامان ایران از تجزیه نجات یافت و درهم ده آنقدر توانائی وامید تابنده باقی بود که درراه‌نجات خودو ملت‌خود بکوشند امروز خوب است سری بآذربایجان وزنجان بزنید تا دریابید که فقر و بیکاری و گرسنگی چه بروز آن مرده آورده است [illegible] از این عرایض نمی‌بود [illegible] [illegible] [illegible]

این لایحه تقدیم مجلس شورای ملی میشود بعلاوه یك لایحه دیگری است چون رعایت حال مستخدمین جزء بهتر بشود مطابق قانونی که درسنه ۱۳۰۵ از تصویب مجلس شورای ملی گذشته است اجازه داده شده است که معادل یکماه حقوق بعنوان عیدی بآنها بدهند (صحیح است) بنده در ضمن رسیدگی هائیکه کردم تشخیص کردم که در سال گذشته فقط حقوق تنها را داده‌اند در صورتی که مطابق قانونی که در فروردینماه ۱۳۲۸ از تصویب مجلس شورای ملی گذشته است کمك‌های که بعنوان کمك جنگی و این ترتیبات که در حقیقت الان جزء حقوق محسوب است آنرا حقوق تلقی نمی کنند و اظهار میکنند که چون قانون ۱۳۰۵ صراحت بلفظ حقوق دارد بنابراین برای اینکه بتوانیم این کمکها را هم با حقوق بعنوان عیدی به مستخدمین بدهیم لایحه‌ای تهیه شده است و تقدیم مجلس محترم شورای ملی میشود که قبل از انقضای سال ما بتوانیم مستخدمین را ازاین حیث امسال کمکی کرده باشیم

نورالدین امامی - برای آموزگارهای بیچاره فکری بکنید

رئیس - بکمیسیون فرستاده میشود

۶ — طرح گزارش کمیسیون مخصوص نفت

رئیس - بقیه گزارش کمیسیون نفت قرائت می شود.

(اینطور خوانده شد)

ماده دوم ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده دوم - مالیات دولت انگلستان

حصه دولت ایران ازمنافع سالیانه شرکت نمی بایستی مشمول مقررات مالیات بردرآمد دولت انگلستان میشد وآنچه باین ترتیب از حصه دولت کسر شده بایستی جبران شود لطمه‌ای که باین ترتیب بحقوق ایران وارد آمده است از ارقام صورت ضمیمه پیدا است.

تقریر پرفسور ژیدل نسبت بماده دوم

تقریر پروفسورژیدل- ماده دوم - قابل ارجاع بحکمیت : شرکت از لحاظ اینکه تبعه دولت انگلستان است تابع مالیاتهای آن دولت ازقبیل مالیات بردرآمد ومالیات اضافه درآمد وغیره میباشد ولی سعی کرده است قسمتی از این مالیاتها را ازسهم دولت ایران طبق ماده دهم (قسمت یکم) امتیاز نامه پرداخت نماید دولت ایران معتقد است که پرداختی شرکت بدولت نباید تابع هیچگونه مالیات مادی واستثنائی دولت انگلستان باشد وبنابراین از ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۷ باید مبلغ پرداختی مستر دودر آنچه نیز این عمل کرار نشود در ۱۹۳۳ مالیات دولت انگلیس و جمع مبلغ پرداختی بدولت ایران تقریباً مساوی بود ولی از ۱۹۳۶ ببعد پرداختی بدولت انگلیس تقریباً سه برابر جمع پرداختی بدولت ایران شده است از ۱۹۳۷ ببعد مالیات بردرآمد علاوه بر معارف مادی بمصارف دفاع وتجدید تسلیحات دولت انگلستان رسیده و در نتیجه دولت ایران باید یکقدر مازاد مالیات انگلیس بطور غیر مستقیم باین تجدید تسلیحات انگلستان پرداخت نموده است مثلاً در سنه ۱۹۳۳ که در ۱۹۳۳ معادل ۳۰۵۴۱۸ لیره بود در ۱۹۳۶ ۹۲۰۰۵۹۹۰ لیره بالارفته ودر ۱۹۳۷ بطور سرسام آور ۱۶۵۱۵۵۸۰ لیره ترقی نموده ودر ۱۹۴۲ بمبلغ ۴۹۱۷۸۴۸ لیره بالغ گردیده است — تنها باین مالیات اکتفا نشده بلکه از سال ۱۹۴۳ ببعد مالیات زمان جنگ موسوم بمالیات اضافه بردرآمد بمالیاتهای انگلیس که بخودی خود طاقت فرسا بوده است اضافه شده است تنها این مالیات در سال ۱۹۴۳ در حدود هشت برابر مالیاتی است که بایران پرداخت شده وکلیه مالیاتهای پرداختی بدولت انگلستان در سال مزبور دوازده برابر رقم مالیاتی است که بایران پرداخت شده در ۱۹۴۷ این تناسب بهیجده مرتبه بالغ گردیده یعنی ۱۵۲۶۶۶۵۵ لیره در مقابل ۷۶۹۴۰۵ لیره مالیات که طبق قرارداد بدولت ایران پرداخت گردیده است — دولت خارجی که یك شرکت خارجی تابع آنست درموضوع روابط بین امتیاز دهنده وشرکت دارنده امتیاز یك شخص ثالثی است وقانون موضوعه ازطرف این شخص ثالث نمی تواند در روابط بین طرفین یك قرارداد نافذ باشد مگر اینکه درقرارداد اینموضوع تصریح شده باشد ودر قرارداد ۱۹۳۳ چنین ذکری نشده است موضوع اینکه دولت انگلیس سهامدار عمده شرکت مزبور است هیچگونه تفاوتی در اصل موضوع ایجاد نمینماید چراکه دولت انگلیس در موقع خرید سهام بعنوان شخص ثالث بوده و بهمین علت شرکت مالیات های دولت انگلیس را پرداخت نموده است . مالیات‌های مزبور باندازه‌ای زیاد شده که از ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۷ مبلغی که شرکت بابت مالیات بدولت انگلستان پرداخت نموده معادل ۲۲۲۴۰۷۴۳ لیره بوده وحال آنکه جمع کل وجوه پرداختی بدولت ازهر بابت تنها ۶۰۱۶۸۶۷۳ لیره یعنی ۱۲۰۷۲۰۷۰ لیره کمتر ازمالیات دولت انگلیس بتنهائی بوده ودرعرض همین مدت دولت ایران ازحیث منابع طبیعی معادل ۱۶۸۲۹۰۱۲۳ تن نفت خام فقیر تر شده است شرکت نیز خود متوجه اینموضوع شده و در قرار داد متمم که بدولت پیشنهاد نموده است نیز حقانیت ادعای دولت را تصدیق ضمنی نموده است منتها چون نظر دولت را ازهر حیث تأمین نمینمود ازقبول آن خود داری شد

ماده سوم ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده سوم - محدودیت سود سهام شرکت

محدودیت میزان سود سهام شرکت بمقتضای دستور دولت انگلستان در مورد حصه دولت ایران ازمنافع شرکت نمیبایستی ثابت باشد

تقریر پروفسورژیدل درخصوص ماده سوم

ماده سوم - قابل ارجاع بحکمیت : شرکت برتمایل دولت ایران سیاست محدودیت سود سهام را در پیش گرفته که ازلحاظ تقبل مبالغی که بایستی بطور معمول طبق ماده ۱۰ بند یکم قسمت (ب) بر دارند بضرر دولت تمام شده است ولی [illegible] در گزارش سالیانه ۱۹۴۷ این موضوع [illegible] اظهار داشته [illegible] سهام [illegible] دولت انگلستان [illegible] ۱۰۰۰۰۰۰۰ [illegible] شده [illegible] داده [illegible] ۱۰۰ [illegible] درهمان ماده که موضوع [illegible] باید

ماده چهارم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده چهارم - قرارداد فروش با بحریه انگلیس وشرکتهای امریکائی .

بموجب ماده ۲۱ امتیاز نامه ۱۳۱۲ شرکت بایستی هروقت ودرهرموقع حقوق و امتیازات ومنافع دولت را درنظرداشته واقدام بهیچ عملی یا خودداری ازعملی که موجب زیان دولت باشد ننماید و حال آنکه درمورد قراردادهای فروش که شرکت بابحریه وهوا - پیمائی انگلستان و شرکتهای امریکائی منعقد نموده است از این لحاظ که معامله بنرخ عادله روز انجام نگرفته حق دولت نسبت بعصه اش از منافع شرکت تضییع شده است

رئیس - تأمل کنید اکثریت نیست . آقایان طوری بیرون تشریف ببرند که جلسه از اکثریت نیفتد (بعد ازلحظه‌ای اکثریت حاصل شد) بفرمائید بخوانید

تقریر پروفسور ژیدل نسبت بماده چهارم

ماده چهارم - قابل ارجاع بحکمیت : شرکت که بایستی همواره طبق بند (۲) ماده ۲۱ قرارداد منافع دولت را رعایت نماید درنتیجه انعقاد قرارداد - هائی برای فروش نفت ومواد نفتی بقیمتهای غیر تجارتی برخلاف مصالح دولت عمل نموده است این قرارداد ها با بزرگترین سهامدار شرکت منعقد گردیده و در نتیجه این قراردادها عواید شرکت کم شده ومبلغی که باید بدولت بنسبت سود سهام تقسیم شده پرداخت گردد تقلیل یافته است استناد بگفته های آقای والیس رئیس شرکت در آنموقع و آقایان رامسی ماکدونالدو وینستون چرچیل در موقع کسب اجازه ازپارلمان انگلیس برای پرداخت ۲۰۰۰۰۰۰ لیره جهت خرید قسمت عمده سهام شرکت و مخصوصاً اینکه چرچیل وزیر دریاداری وقت میگوید

« ما برای خرید نفت پول پرداخت خواهیم نمود ولی منافع آن بخزانه‌داری انگلیس برمیگردد »

در نتیجه مشارکت با دولت انگلیس درمسئله آزادی عمل تجارتی خود را ازدست داده است وچون درکلیه مسائل سیاست کلی شرکت باید تابع نظر دولت ایران که عبارت از تأمین حداکثر منفعت برای شرکت است شق اول را انتخاب نموده و بسهامدار عمده خود حق تقدم داده است

مفاد ماده ۲۱ قرار داد فارسی صریحاً ذکر نشده وتوضیحی است ولی درقرارداد ۱۹۳۳ صراحت دارد ووظیفه امتیازی شرکت میباشد

مندرجات صفحات رسمی دولت انگلیس شماره C D ۷۴۱۸ مورخ سال ۱۹۱۴ همچنین اظهارات مستر چرچیل در آنموقع دال براین است که شرکت قراردادهای طویل بلامدت برای فروش مواد نفتی بسته که بنفع دولت انگلیس بوده است ولی با منافع دولت ایران تناقض دارد . قیمت تعیین شده دراین قراردادها اشاره شده ولی درموقع قطع اولیه نفت درایران در سال ۱۹۲۵ اطلاعاتی بدست آمده که یك [illegible] [illegible] ۳۰ شلینگ [illegible] [illegible] ۱۰۰ [illegible] درهمان ماده که موضوع [illegible] باید

مقداریکه برای پرداخت مزد سهام ممتازه ومبلغ ده درصد منافع بسهامداران عادی پرداخت نماید چون اطلاعات صحیح نسبت بچگونگی قراردادها که درمدت قرار داد ۱۹۳۳ بسته شده در دست نیست دولت نمیتواند ضرری راکه از اجراء درنتیجه قراردادهای متقدمه جدید تا تجدید شده با وزارت دریا داری و وزارت هواپیمائی وسایر مؤسسات رسمی دولت انگلستان متوجه اوشده تعیین نماید ولی رسماً جبران اینخسارت هارا که بحقوق دولت درمواد ۱۰ بند (ب) و ۱۰ سه و ۲۱ وارد آمده است تقاضا مینماید وتعیین این مبلغ را ازمحکمه حکمیت درخواست مینماید ودرآنیه نیز باید اقداماتی بعمل آید که درنتیجه قراردادهای غیر عادی ضرری بمنافع دولت وارد نشود وهمچنین قرار - دادهای غیرعادی تجارتی شرکت نیزمانند قرارداد هائی است که با دولت انگلستان بسته وباید درموقع انعقاد اینگونه قرارداد ها خسارتی را که بدولت ایران بابت فروش غیر ازبهای تجارتی واردمی آید جبران نماید .

ماده پنجم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده پنجم - مواد نفتی که در عملیات شرکت مصرف میشود

حقوق ایران از بابت مواد نفتی که در عملیات شرکت مصرف شده پرداخت نشده است

تقریر پروفسورژیدل درباره ماده پنجم

ماده پنجم - قابل ارجاع بحکمیت: دولت ایران دراوائل امتیاز مبلغی که شرکت بابت محصولات نفتی که درعملیات خود مصرف مینماید بموجب ماده ۱۰ بند یك قسمت الف امتیاز نامه از قرار هرتن ۴ شلینگ مطالبه ننموده ولی ازدیاد مصرف که فعلا در حدود یکمیلیون ونیم تن درسال است دولت را مجبور می- نماید که ازشرکت دعوت کند اینموضوع رادرمحاسبات خود رعایت نماید هیچ ماده ای از امتیازنامه شرکت را ازپرداخت حق الامتیاز در اینمورد معاف نمینماید

وماده ۱۰ یك الف میگوید « پرداخت سالیانه ۴ شلینك برای هر تن نفت فروش رفته برای مصرف و یا صادر شده ازایران » تردیدی نیست که نفت مورد مصرف شرکت برای عملیاتش نفتی است که از زیر زمین ایران استخراج شده وبهمین اندازه کشور نفتیر شده است وبنابراین دولت باید در این خصوص حقی دریافت نماید واین حق جز سه چهار ده ۱۰ یك الف راه دیگری ندارد اظهار اینکه دولت ایران این حق رابصورت بیست در صد ازسود تقسیم شده دریافت می‌نماید این مبلغ را بمقدار سه چهار تا بیل می‌دهد و همچگونه تناسبی بارزش نفتی که ازطرف دولت داده شده ندارد بگاربردن این نفت ازطرف شرکت برای عملیات خودش تشکیل یك مبلغی را می‌دهد واین حق درایران بوده و محاسبات شرکت نیز آنرا بصورت فروش بخودش قسمت نموده وبنابراین محاسباتی اشتباه وسفیه واقع است .

دولت ایران [illegible] بهای بهمین منظور [illegible] بموجب ماده [illegible] شرکت [illegible] ۱۹۳۳ [illegible] ۱۹۴۱ [illegible] مقادیر [illegible] و اعلامی دولت [illegible]

ماده ششم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده ششم - بررسی مالی واطلاعات مالی نظارت در اجرای بند (۱) از ماده ۱۶ و ۲۱ امتیاز نامه ۱۳۱۲ و سهم دولت درسود توزیع شده در ذخائر شرکت (ذخیره عمومی ذخیره افت و استهلاك) ایجاب مینمود که دولت ایران بتواند بدفاتر و محاسبات شرکت رسیدگی کند و از معاملات و تصمیماتیکه در حقوق او اثر مؤثر است قبلا اطلاع حاصل نماید .

تقریر پرفسور ژیدل در باره ماده ششم

ماده ششم - قابل ارجاع بحکمیت : دولت ایران نسبت بشرکت حقوق مالی دارد که بعضی آنها آنی و بعضی آتی است و دولت قانوناً باید نظارت باین حقوق داشته و مطمئن شود که شرکت اجرای آنرا معوق نمیگذارد ولی شرکت نه تنها برای اجرای این حق دولت درنظارت برحقوق خودش مساعدت ننموده بلکه در نتیجهٔ ندادن اطلاعات مالی که برای اعمال حقوق لازم است اقدامات دولت را فلج نموده است شرکت نمیتواند برای فرار از وظائف خود بماده ۲۱ امتیازنامه استناد نماید واینکه در ماده مزبور قید شده که باید اصول حسن نیت مدار اجرای قرارداد باشد درصورتیکه طرف دیگر بموجب امتیازنامه حقی داشته باشد باید حسن نیت خودرا باثبات رساند ومخصوصاً این موضوع موقعی اهمیت دارد که طرز عمل یك طرف باعرف معمول تفاوت داشته باشد مثلا طرز تنظیم محاسباتش طوری باهم توأم شده باشد که نتوان این حسابها را درستین مختلف باهم تطبیق نمود و حتی با یك نظر اجمالی بحسابهای منتشره شرکت بچنین نتیجه‌ای میرسیم. شرکت بعضی اوقات محاسبات مختلف را تحت یك قسم بیلان یا حساب سود وزیان برده و میتوان با این اعداد طرز تشکیل هر یك از این محاسبات خاص را در سالهای متوالی تعقیب نمود علاوه براین محتویات بعضی این محاسبات بیلان و حساب سود وزیان درسالهای مختلفه یکسان نیست و این تغییرات مقایسه آنها را درسالهای مختلف بی نتیجه می‌نماید . درمورد سود شرکت Balance of profit شرکت کاملا یك رقم مبهمی که پس از نظر گرفتن مخارج قسمتها بدست آمده ولی کسی از این قسمتها برای روابط بین دولت و شرکت دارای اهمیت مخصوص نیست و آن عبارت از حساب استهلاك وتنزل قیمت است شرکت درمحاسبات خود بجای اینکه طریقه معمول استهلاك که عبارت از تعیین بهای اموال بقیمت اولیه و تعیین ذخیره مخصوصی در بیلان برای این منظور میباشد یکنوع دیگر طریق دیگری که تعیین بهای اموال پس از استهلاك باشد بکار برده و با این طریق نمیتوان طرز نیست آوردن استهلاکات را جز در موارد استثنائی تعقیب نمود و حال آنکه هرگاه شرکت انتخاب دو طریقه را داشته باشد که یکی از آنها امتیاز دهنده ودیگری [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

ماده ۱۵ استناد نموده و طبق این ماده چنین نتیجه گرفته است که دولت حق تعصیب هیچگونه اطلاعات دیگری را ندارد ولی استناد شرکت باین ماده و دادن چنین معانی بآن صحیح نیست چرا که این استدلال تا دوقسمی مورد دارد که مواد مخصوصی در قرارداد باشد که بدولت حقوق دیگری جز حقوق سهامداران شرکت بدهد .

رئیس - تأمل کنید اکثریت نیست (بعد از عضای اکثریت حاصل شد) بفرمائید (بقیه گزارش بقرار ذیل خوانده شد) .

ولی بموجب مواد ۱۰ و ۲۰ قرارداد این حق بدولت داده شده است طبق ماده دهم بند الف دولت در ذخایر (ذخایر عمومی) شرکت سهیم است ومنظور ازآن کلیه ذخایر بهرعنوانی که شرکت دردفاتر خود بدهد میباشد و بنا بر این دولت باید کلیه اطلاعاتیرا داشته باشد که مطمئن شود شرکت بعضی ذخایر مخفی که در حساب ذخایر عمومی نمی آید گذارد نگذاشته باشد .

ذخایر استهلاك را ممکن است طوری زیاد قید نمود که از منظور اصلی منحرف شده و ذخایر مخفی بشود ولی همین ذخایر در حساب های منتشره شرکت ذکر نمیشود زیرا بطوریکه در بالا ذکر شد اموال را پس از کسر استهلاك بحساب میآورد . طبق ماده بیستم قسمت دو در آخر امتیاز کلیه دارائی شرکت در ایران مجاناً و بلاعوض بصورت قابل استفاده به دولت تعلق خواهد گرفت و بنابراین ذخایر استهلاك نباید طوری باشد که درآخر امتیاز با مفاد ماده بیست راجع باینکه این اموال مجاناً و بلاعوض بدولت تعلق خواهد گرفت منافات داشته باشد چراکه میتوان این ذخایر را طوری زیاد قید نمود که اموالی که باید در آخر امتیاز مجاناً بدولت تعلق گیرد چندین مرتبه بهای خودرا استهلاك نموده باشد وهمچنین موضوع تقسیم ذخایر استهلاك شرکت بین اموال داخل وخارج نباید از نظارت دولت ایران خارج باشد و شرکت باید اطلاعات لازمه را راجع به مبالغی که به حساب استهلاك اموال خود در خارج ازایران گذارده بدولت بدهد در موافقت نامه سال ۱۹۳۲ راجع بنظر حساب حق الامتیاز و مطالب دیگر طبق امتیازنامه دارسی در فصل مختلف بند ۲ و ۳ ذکر شده بود نامه دولت حق دریافت اطلاعات اضافی بیش از آنچه که در صورت حق الامتیاز ذکر شده دارد و شرکت نیز ملزم شده بود که صحت دفاتر خود و دفاتر شرکتهای تابعه را تضمین نموده و برای رسیدگی در دسترس نماینده گان دولت قرار دهد .

ماده هفتم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده هفتم - صادرات نفت [illegible] ماده [illegible] امتیاز نامه ۱۳۱۱ و اختیارات قوی دولت ایران [illegible] مواد [illegible] ایران [illegible] بعمل آید .

[illegible]

قیمت فروش کلیه مواد نفتی درداخله مملکت ایران ازلحاظ اینکه آنچه درایتیات درامتیازنامه ۱۳۱۲ نوشته شده بودعملا ازبین رفته است

ماده دهم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده دهم — تأسیسات پخش نفت : توسعهٔ کافی تأسیسات پخش نفت اعمال نقاطی که فعلا تأسیساتی در آنجا وجود دارد و یااینکه هیچگونه تأسیساتی ندارد .

ماده یازدهم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده یازدهم — تقلیل مستخدمین خارجی وبهبود وضع کارمندان وکارگران ایرانی : تعیین تکلیف طرحی که دراینباب درآبانماه ۱۳۲۶ باستناد مواد ۱۶ و ۱۷ امتیازنامه ۱۳۱۲ بشرکت تسلیم شده است .

نظریه پروفسور ژیدل نسبت بماده هفتم

ماده یازدهم — قابل ارجاع بحکمیت : شرکت تعهدات خود را برای تقلیل مستخدمین خارجی در ظرف ۱۰ سالی که ازامتیازنامهٔ جدید میگذردانجام نداده است بااینکه از وظایف امتیازنامه ای شرکت بوده است . ارقام نشان میدهد که نه تنها کارمندان خارجی را تقلیل نداده بلکه تعدادآنهارا از ۲۰۵۰ نفر درسال ۱۱۳۳ فعلا تقریبا ۴۰۰۰ نفر افزایش داده است . شرکت باید باتوافق دولت طرحی را که طبق ماده شانزدهم برای تقلیل کارمندان خارجی سالیانه وبطور تصاعدی پیش بینی شده تهیه نماید و بجای اتباع خارجی کارمندان ایرانی بطوریکه طبق امتیازنامه تعهد نموده است جایگزین نماید

علاوه براینکه پرفسور ژیدل این ماده را قابل ارجاع بحکمیت میداند ماده یازدهم قرارداد الحاقی پیشنهادی خودرا که بایستی بامتیازنامه اضافه شود نیز باین موضوع اختصاص داده بقرارزیر

نظر باینکه سیاست اساسی شرکت اینست که کارمندان شرکت درایران شامل حداکثر ایرانی های ممکنه باشد شرکت حداکثر پیشرفت تشکیلات حرفه ای وفنی را در کارگران وصنعتگران ایرانی بخرج خود بمنظور اینکه آنهارا در صنعت نفت بطوری استعداد نماید که بمبارزه سال کارمندان خارجی بیش از پنج درصد کارمندان فنی (Qualifié) نباشد ادامه خواهد داد

شرکت موافقت دارد که مبلغ کافی برای اعزام هر سال پنجه نفر ایرانی به برنامه ای که جهت آموزش حرفه ای در داخله و درموضوع تکنولوژی نفت درست معمول به اختصاص دهد ولی این ماده پیشنهادی برای حصول توافق بشرکت است نه درصورت ارجاع بحکمیت .

ماده دوازدهم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده دوازدهم — جلوگیری از تلف شدن گاز جلوگیری از اتلاف گاز بوسیله مصرف در عملیات شرکت ولوله کشی بشهرها برای مصرف اهالی و کشاورزان [illegible] مواد ۱۲ و ۲۱ قرارداد سنه ۱۳۱۲ .

ماده سیزدهم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده سیزدهم — منطقه عملیات [illegible] منطقه عملیات خارجی [illegible] قوانین کشور

ماده چهاردهم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده چهاردهم — بیمه : بیمه مؤسسات شرکت نفت در ایران نزد شرکت بیمه ایران

ماده پانزدهم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده پانزدهم — مدت امتیاز : در موقع اصلاح امتیاز دارسی دومطلب بیش از سایر مطالب موردتوجه طرفین بوده است از طرف دولت ایران حق الامتیاز وازطرف شرکت مدت امتیاز درموقعی که هنوز امتیاز دارسی مجری بوده باکمتر از ۴ میلیون تن صادرات و فروش سالیانه درحدود یک میلیون ونیم لیره طلا بدولت حق الامتیاز میپرداخته باین حساب بنرخ مقررات امتیاز دارسی با قریب هیجده میلیون تن صادرات و فروش سالیانه که اخیرا استحصال شرکت است متجاوز ازشش میلیون ونیم پوند طلا حق الامتیاز دولت میشود وحال آنکه عمل شرکت باستناد امتیازنامه ۱۳۱۲ طوری بوده است که باهیجده میلیون تن صادرات و فروش حق الامتیاز دولت حتی ازشش میلیون ونیم پوند طلا خیلی کمتر است وباین وصف معلوم نیست درموقع فسخ امتیاز دارسی درقبال تمدید مدت امتیازنامه سابق ازامتیازنامه ۱۳۱۲ بدولت ایران چه عاید شده است . اینمطلب موردنهایت علاقه دولت ایران وبیش ازهمه چیز موردتوجه مردم مملکت است . نکته دیگری که درموقع این مقایسه باید طرف توجه قرار گیرد این است که بموجب امتیاز دارسی کلیه دارائی ومؤسسات شرکت درهرجای دنیا که بود بایران تعلق میگرفت و حال آنکه در امتیاز ۱۳۱۲ این قید نسبت بدارائی شرکت در ایران شده است . اهمیت این مطلب بیشتر بااین توجه جلوه میکند که مدت امتیاز دارسی درسال ۱۹۶۲ خاتمه می یافت وحال آنکه در امتیازنامه سال ۱۳۱۲ نوشته شده است که ازآن ببعد شصت سال معتبر خواهد بود و پیداست که وضع ذخایر نفتی مملکت ایران بامقایسه مدتهای مذکور در دو امتیاز سابق الذکر چه تفاوت فاحشی رامتضمن است

ماده شانزدهم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده شانزدهم — مبنای حق الامتیاز : مبلغ چهار شلینت ونیم تن درسال ۱۹۳۳ معادل یک هشتم قیمت نفت خام ایران بوده است وحال آنکه فعلا باصرف طلای آن (برطبق محاسبه شرکت) کمتر از یک شانزدهم شده است و باین ترتیب مجموع حق الامتیاز دولت ایران بنسبت قیمت کل نفت استخراج شده در ایران در سال ۱۹۳۳ درحدود ۳۳ درصد بوده و در سال ۱۹۴۷ فقط در حدود ۹ درصد . اگر حق الامتیاز دولت ایران طبق امتیازات کشور ونزوئلا دریافت میگردید ازبابت ۱۹۴۷ بجای هفت میلیون لیره بالغ بر ۲۲ میلیون لیره میشد یعنی متجاوز از سه برابر . شرکت نفت عراق می تواند شش شلینت طلا حق الامتیاز دریافت دارد واین مبلغ نیز بادرنظر گرفتن قیمت عادله بیش از سه برابر حق الامتیازی است که تاکنون بدولت ایران پرداخته شده است . برطبق امتیاز جدید در گردش از حق الامتیاز درموقعی از سه برابر حق الامتیاری که تاکنون بدولت ایران پرداخته شده است متجاوز است صدا از کل حق الامتیازی که [illegible] وضع دریافت می دارد [illegible] ایرانی هر گاه این ارقام [illegible] شده [illegible]

حق الامتیاز متداول فعلی در دنیا در حدود یک لیره درهر تن استخراج شده می شود ازارقام فوق ومخصوصا بامقایسه درمندرجات قسمت (۱۷) این یادداشت بخوبی آشکار است که برای حق امتیاز ایران بهیچوجه مبنای دلالت ومنصفانه ای در کار نیست

ماده هفدهم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده هفدهم — معافیت ها : کم و کیف معافیت های مالیاتی و گمرکی مورد محاسبه دقیق و تعیین تکلیف قطعی باید قرار گیرد باینمعنی که مالیات بر درآمد شرکت برطبق قانون مالیات بردرآمد ایران برای سال ۱۹۴۷ بالغ بر ۱۲ میلیون لیره میگردد وازطرف دیگر برطبق مقررات مملکت درهر یک ازسنوات ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶ حقوق وعوارض گمرکی اجناس واشیائی که شرکت بایران وارد کرده است درحدود ۱۷ میلیون لیره است . توضیحا علاوه می نماید که شرکت در سال ۱۹۳۳ ازبابت مالیات بردرآمد مبلغ ۲۷۴۴۱۲ لیره بدولت ایران و ۳۰۵۴۱۸ لیره بدولت انگلستان پرداخته است وحال آنکه در سال ۱۹۴۷ مالیات دولت ایران ۷۶۵۴۰۵ لیره ومالیات انگلستان ۱۵۲۶۶۶۶۵ لیره بوده است

ماده هیجدهم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده هیجدهم — سهام شرکت : تبدیل حصه ایران از ذخایر شرکت بسهم شرکت نظیر معامله ای که با صاحبان سهام میشود

ماده نوزدهم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده نوزدهم — اسعار : استفاده از یک قسمت از اسعار حاصله ازفروش مواد نفتی در دنیا

ماده بیستم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده بیستم — فروش نفت برای صدور : تعیین ترتیبی که بموجب آن شرکت مواد نفتی برای صدور در اختیار دولت یا اتباع ایران خواهد گذاشت

ماده بیست ویکم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده بیست ویکم — نفت شاه : اتخاذ تمایز عملی برای تأمین منافع وحقوق ایران در نفت شاه بنابنسبت مجرورت با نفت خانه

ماده بیست ودوم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده بیست و دوم — شرکتهای وابسته : تعیین مقرراتی که شرکتهای غیرتابعه بایستی بشمول آن باشند

ماده بیست وسوم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده بیست وسوم — توضیحات اضافه : ضرورت جلب موافقت دولت ایران بتغییراتی که در اساسنامه سال ۱۹۳۳ بعمل آمده ویا بعمل می آید

ماده بیست وچهارم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده بیست و چهارم — ذخایر شرکت : روشن بودن وضع ذخایر وطرز تشکیل آنها وتعیین حقوق دولت بطور دقیق

ماده بیست وپنجم از ۲۵ ماده اعتراضیه دولت

ماده بیست وپنجم — معلومات [illegible] و تکرار [illegible] و تفتیش [illegible] کلیه [illegible] محدود وقیود [illegible] از [illegible] مواد [illegible] و تفتیش [illegible] مورد [illegible] قرار گیرد

ماده هشتم [illegible] ارجاع بحکمیت [illegible] ماده ۲۵ [illegible]

[illegible] موقعیکه قوای متفقین در شهریور ۱۳۲۰ (سپتامبر ۱۹۴۱) وارد ایران شدند محصولات نفتی

مورد احتیاج خودرا در آبادان وسایر مؤسسات پخش شرکت بر نرخ دیگر دریافت نمودند . بموجب امتیاز نامه مالیاتها و عوارض مربوط بمحصولات نفتی در ایران که بوسیله شرکت بفروش میرسید درقیمت فروش محسوب وبرسیله شرکت دریافت می گردد و شرکت دراینمورد نسبت بدولت ذیحساب است

ماده نوزدهم امتیازنامه طرز تعیین بهای محصولات نفتی را درهر سال طبق بند (ج) تعیین نموده بقرار زیر : کمپانی حق دارد که بقیمت های اساسی مذکور درجزء (الف) مخارج حقیقی حمل و نقل وتوزیع و فروش وهمچنین مالیات وعوارض موضوعه برابر محصولات مزبور بیفزاید شرکت بدون اینکه بهیچ نوع بدولت ایران مراجعه ای نماید بخودی خود اقدام نموده که حقوق وعوارض محصولات نفتی که بقوای متفقین در ایران تحویل داده است وصول نماید و بنا بر این مقررات ماده نوزدهم امتیاز نامه را صریحا نقض نموده است

پس از اتمام جلسه هیئت که دولت ایران از شرکت درخواست نمود درجزو دوم صورت محصولات نفتی مورد مصرف قوای متفقین را باداره مربوطه ارسال دارد شرکت جهت تهیه برآوردی برای عمده انجام تقاضای دولت متوسل گردید و بالاخره اظهار داشت که دولت برای تعیین ارقام مربوطه بسفارت کبرای انگلستان مراجعه نماید وحال آنکه دولت ایران نباید راجع به عدم اجرای قراردادی که شرکت مرتکب شده بسفارت کبرای انگلستان وارد مذاکره شود

درنتیجه رسیدگی بحساب های مؤسسات پخش وزارت دارائی دولت شاهنشاهی توانسته است محاسبه نماید که طبق آن جمع محصولات نفتی که تحویل قوای متفقین شده بالغ بر یک میلیارد وهفتصد وهشتاد و سه میلیون لیتر وعوارضی که طبق نرخ مقرر در ۱۹۴۳ بآن تعلق می گیرد بمبلغ ۵۷۳ میلیون ریال تخمین زده شده است همین مبلغ است که دولت شاهنشاهی ازشرکت که بدون اینکه از پرداخت آن معاف ویا هیچگونه اجاره ای برای عدم وصول آن داشته باشد تاکنون ایراد ننموده مطالبه مینماید که تعهدی را که طبق ماده نوزدهم بعهده داشته انجام دهد

از تاریخ دو شنبه پنجم تیرماه تا تاریخ چهار شنبه هشتم آذرماه ۳۰ کمیسیون مخصوص نفت بیست و چهار جلسه تشکیل داده ودر این بیست وچهار جلسه در اطراف ۲۵ ماده دعاوی دولت مذاکرات مشروح ومفصلی بعمل آمده وازطرف آقایان اعضاء کمیسیون اعتراضات زیادی نسبت بعملیات شرکت نفت وهمچنین راجع بقرار داد ۱۹۳۳ با استناد بنطق آقای تقی زاده وزیر دارائی وقت (امضاء کننده قرار داد ۱۹۳۳) در مجلس پانزدهم و نیز قرارداد الحاقی بعمل آمده است که در مقابل آن از طرف دولت جواب های قانع کننده ادا نشده وبا وجود اینکه مذاکرات از طرف اعضاء کمیسیون بدولت تذکر داده شد مدافعات خودرا از لایحه طبق مسئولیتی که بعهده دارد بیان نماید مع الوصف دولت بهمان توضیحات قناعت کرده و دفاع مستدل و قانع کننده ای ننمود « کلیه این مذاکرات نظر باهمیتی که دارد در سه جلد دفتر صورتجلسات کمیسیون مخصوص نفت که حاوی ۲۲۶ صفحه و ذیل هر صفحه بامضای رئیس کمیسیون مخصوص نفت رسیده مضبوط وکاملا منعکس است »

بالاخره کمیسیون در بیست ودرمین جلسه خود جلسه را سری اعلام ووارد شور گردید دراین جلسه پس از چند ساعت مذاکره و مباحثه پیشنهاداتی منجمله پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت در ایران از طرف پنج نفراز اعضاء و همچنین پیشنهاد راجع به غیر قانونی بودن ...

مکی - کلمه اعلام افتاده صحبتش اعلام غیر قانونی بودن تمدید مدت ....

صدرزاده - بنده از روی گزارش چاپی باید بخوانم ... وهم چنین پیشنهاد راجع به اعلام غیر قانونی بودن تمدید مدت وچند پیشنهاد دیگر از طرف آقایان اعضاء کمیسیون داده شد که چون از طرف بعضی از آقایان تذکر داده شد که باید مرحله بمرحله تکلیف لایحه دولت را معین کرد و برای اینکه در مورد قرارداد الحاقیه زودتر نتیجه گرفته شود پس از مذاکرات زیاد پیشنهاد زیر باتفاق آراء بتصویب رسید که اینک عین آن برای تصویب قرائت و تقدیم مجلس شورا میشود

کمیسیون نفت که طبق تصمیم ۳۰ر۳ر۲۹ مجلس شورای ملی تشکیل شده است پس ازمذاکرات ومطالعات باین نتیجه رسیده که قرارداد الحاقی ساعد تاکنون کاملی برای استیفای حقوق ایران نیست لذا مخالفت خودرا با آن اظهار میدارد

[illegible] امامی . سید علی بهبهانی . جواد عامری . دکتر محمد علی همایون . افتخار صالح . دکتر [illegible] . حسین مکی . دکتر شایگان . حائری زاده . [illegible] زوالفقاری . جواد کنجوای . [illegible] . دکتر حسن عادی . بازیری . [illegible] و [illegible] . دکتر [illegible] . عبدالحسین [illegible]

[illegible]

ضمیمه (۹) مواد ۲۵ گانه اعتراضیه دولت

سال	مالیات عادی دولت انگلیس	مالیات اضافه بر درآمد دولت انگلیس	جمع مالیات	مالیات دولت ایران
۱۹۳۳	۵۰۵۴۱۸		۳۰۵۴۱۸	۲۷۴۴۱۲
۱۹۳۴	۵۱۱۷۳۳		۵۱۰۴۳	۳۰۱۱۳۵
۱۹۳۵	۴۰۸۶۳۵		۴۰۸۶۳۵	۲۰۱۱۶۶
۱۹۳۶	۶۰۰۵۵۹		۹۱۰۵۵۹	۲۲۸۵۲۴
۱۹۳۷	۱۶۵۱۵۸۸		۱۶۵۱۵۸۸	۳۶۲۷۳۴
۱۹۳۸	۱۱۷۵۰۲۹		۱۱۵۷۰۲۹	۳۷۸۴۹۴
۱۹۳۹	۱۹۵۵۶۰۶		۱۹۵۵۶۰۶	۴۶۶۲۰۴
۱۹۴۰	۲۹۷۵۱۵۶		۲۹۷۵۱۵۶	۴۶۰۱۱۸
۱۹۴۱	۲۹۲۰۶۸۲		۲۹۲۰۶۸۲	۰۶۸۶۶۷
۱۹۴۲	۴۹۱۷۸۴۶		۴۹۱۷۸۴۶	۴۵۴۹۶۸
۱۹۴۳	۳۷۹۸۷۶۴	۴۸۶۴۰۰۰	۱۰۶۶۲۷۶۴	۶۰۶۹۴۸
۱۹۴۴	۳۷۵۶۴۵۷	۷۸۸۰۰۰۰	۱۰۶۳۶۴۵۷	۵۱۰۷۲۵
۱۹۴۵	۳۸۰۵۵۶۴	۶۸۷۵۸۰۰	۱۰۶۸۱۳۶۴	۴۴۶۶۴۴
۱۹۴۶	۲۹۰۹۲۰۱	۷۴۰۰۰۰۰	۱۰۷۲۹۲۴۱	۱۶۸۵۹۹
۱۹۴۷	[illegible]		[illegible]	۷۶۵۴۰۵

ضمیمه شماره (۴) مواد ۲۵ گانه اعتراضیه دولت

[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

و بطلان قرارداد ۱۹۳۳ و پیشنهادات دیگری بعمل آمده وچون اکثریت آقایان اعضاء کمیسیون عقیده داشتند که وظیفه کمیسیون طبق تصمیم مجلس شورای ملی اینست که نسبت باستیفاء یاعدم استیفای منافع ایران درمورد قرارداد الحاقی اظهارنظر نماید ودر اینموضوع کمیسیون باتفاق آراء اظهار عقیده نموده است ورود و بحث در سایر پیشنهادات فعلا ضرورتی ندارد وباید این پیشنهادات در مجلس مطرح شود و تکلیف آنها از طرف مجلس شورای ملی معین شود لذا به پیشنهاد زیر اخذرأی بعمل آمدوتصویب گردید (اینك متن پیشنهاد) :

نظر باینکه وظیفه کمیسیون مخصوص نفت اظهار نظر در قرار داد الحاقی از لحاظ استیفاء یا عدم استیفای منافع ایران بوده وباتفاق آراء اظهارنظر در اینموضوع بعمل آمده بنا براین ورود درهر گونه پیشنهادی ازوظیفه کمیسیون خارج است وتکلیف آنها ازطرف مجلس شورای ملی باید تعیین شود.

پیشنهاد مذکور با ده رأی موافق ازشانزده نفر عده حاضر بتصویب رسید وچهار نفرمخالف ودو نفر ممتنع رأی دادند بنابراین متن تصمیم کمیسیون برای شور اول وطرح وتصویب آن تقدیم مجلس شورایملی میگردد :

کمیسیون نفت که طبق تصمیم ۳۰ر۳ر۱۳۲۹ مجلس شورای ملی تشکیل شده است پس ازمذاکرات ومطالعات باین نتیجه رسید که قرارداد الحاقی ساعد کس کافی برای استیفای حقوق ایران نیست لذامخالفت خود راباآن اظهارمیدارد.

مخبر کمیسیون مخصوص نفت - حسین مکی

۱۹ آذرماه ۱۳۲۹

رئیس — آقای دکترمصدق بواسطه کسالتی که دارند تقاضا کرده اند که نطق خودشان راآقای مکی دراینجا قرائت کنند آقای مکی نطق آقای دکترمصدق را بفرمائید قرائت کنید.

مکی - همانطور کهجناب آقای رئیس فرمودند چون کسالت جناب آقای دکترمصدق شدت پیدا کرده است واطباء قدغن کرده اند ازبستر خارج نشوند برای یك مدتی وهمانطوریکه سابقه بوده است یك مرتبه دیگر که کسالت پیدا کردهبودند نامه ای بوسیله بنده بکمیسیون نفت تقدیم کردند ازاین لحاظ بهبنده امرفرمودند که نطق ایشان راعیناً ازروی یادداشتهای خود ایشان باستحضار مجلس شورایملی ایران برسانم

(مطالب آقای دکتر مصدق بوسیله آقای مکی بقرار ذیل خوانده شد)

از بدو مشروطیت تا کنون ۱۶ دوره تقنینیه افتتاح شده وکلای مجلس اول نمایندگان حقیقی ملت بودند ولی پس از آن هرقدر بیشتر از عصر مشروطه گذشته دخالت دولت درانتخابات بشرحی که بعرض میرسد بیشتر شده است.

در دوره دوم و سوم دولت روسیه تزاری در انتخابات شمال و دولت انگلیس در انتخابات جنوب اعمال نظر نموده بطوریکه حال عده زیادی ازنمایندگان من جمله وکلای تهران نماینده حقیقی ملت نبوده و وکالت دولتهای انگلیس و روسیه تزاری دراینجا پاره‌ای از نمایندگان مانع این نشد که دولتیکهروسها بدولت ایران اولتیماتوم دادند حتی نمایندگانی که با سعی و مساعدت خود آنها بمقام نمایندگی رسیده بودند بوجدان بیدار و شرافت ملی خودنگیه نموده وبا وکلای دیگر مجلس دویم در رد یاتفاق آراء اولتیماتوم روسیه تزاری هم داستان شوندوآن افتخار بزرگ رانصیب مجلس دوم نمایند

در اینموقع آقای مکی باخطاب به آقای وزیر دارائی مشت خود را محکم بروی تریبون زدند و گفتند جناب آقای وزیردارائی!

وزیر دارائی — مجلس رئیس دارد بشما چه مربوط است

دکتر بقائی — این چه جور حرف زدن است.

مکی - مگر اینجا طویله است

وزیر دارائی — شما چه حق دارید این حرفها را بزنید

مکی - خیال کردی اینجا میتوانی بمجلس توهین بکنی اینجا آلمان نیست که ایران آزاد تشکیل بدهی

وزیر دارائی - هرکار دلت میخواهدبکن

دکتر بقائی - اینجا گردن کلفتی نکنید آقا باید گوش بدهید

(خواندن بقیه مطالب آقای دکتر مصدق را بقرار ذیل آقای مکی ادامه دادند)

بمحض اینکه جنك بین الملل اول خاتمه یافت و رقابت دولت روسیه درایران از بین رفت دولت انگلیس قرارداد ۹ اوت ۱۹۱۹ را منعقد نمود و برای اینکه تصویب آن در مجلس چهارم دچار اشکال نشود در انتخابات آن دوره غیر از انتخابات تهران که قبل از انعقاد قرار داد خاتمه یافته بود اعمال نظر کرد

در دوره ۵ و ۶ بازنمایندگان تهران واردمجلس شدند ولی از دوره هفتم بیعدهیچ وکیلی بدون اجازه دولت بمجلس نرفت

از این مقدمه میخواهم این نتیجه را بگیرم که قرارداد ۱۹۳۳ در مجلس تصویب شده که وکلا نماینده حقیقی ملت نبوده و بعلاوه نظر بوجوددرژیم دیکتاتوری هیئت حاکمه مجریان دستوری بیش نبودند و چنانچه مجله مذاکرات مجلس راجع بجلسه هفتم بهمن ماه ۱۳۲۷ را که مربوط جواب آقای تقی زاده بآقای عباس اسکندری است قرائت کنند بخوبی معلوم میشود که وزیر و رئیس عمومی مسلوب الاختیار ومطیع یك مرکز بوده اند

برای اینکه قسمت اصلی اظهارات آقای تقی زاده دایر بمسلوب الاختیار بودن آنها و وجود ژیر رشارکه دلیل کافی بر بطلان قرارداد ۱۹۳۳ است برای آقایان نمایندگان واضح و روشن شود [illegible] اصلی نطق شب هفتم بهمن ماه ایشان را [illegible] در مجلس بازخوانم [illegible] ودر اینجا عیناً نقل میکنم :

[illegible]

ولی باید عرض کنم که مقصود از اینکه کنم [illegible]

چاره نبود تنها نام اشخاص نسبت بخودشان نبود بلکه همیشه آنها نسبت بمملکت وعواقب نزاع و آن کیفیت نیز بود.

من هیچوقت راضی بتمدید مدت نبودم ودیگران هم نبودند واگر دراینکار قصوری یااشتباهی بوده تقصیر آن فعل نبوده بلکه تقصیر فاعل بوده که بدون اشتباهی کرد وبتوانست بر گردد

اوخود هم راضی بتمدید مدت نبود و در بدو اظهار این مطلب ازطرف حضرات روبروی آن ها بتحاشی ووحشت گفت « عجب اینکار که بهرچوجه شدنی نیست می‌خواهید که ما که ۳۰ سال بر گذشتگان برای اینکار لعنت کرده‌ایم پنجاه سال دیگر مورد لعن مردم و آیندگان بشویم ولی عاقبت در مقابل اصرار تسلیم شد »

پس از نقل نطق آقای تقی زاده اینك باز شمه ای از محیط وحشت و فشار آن ایام را شرح می دهم :

دولت انگلیس تنها باین قناعت ننمود که درانتخابات نمایندگان دخالت کند بلکه مقامات رسمی مملکت را نیزدست نشانده خود کرد وعلاوه بردخالتهای غیرقانونی درامورداخلی یك کشورمستقل درسال ۱۹۳۳ موقع تمدید امتیازبا فرستادن کشتی های جنگی خود به آبهای خلیج فارس از وسیله تهدید نیز استفاده کرد.

ولی خوشبختانه باید اذعان نمودکه دربسیاری ازموارد که فقط یك مورد آن را دربالا ذکرنمودم هروقت منافع ملت ایران در مقابل خارجیان مطرح بوده نمایندگان مجلس شرافت وآبروی ملی خودرا برهرچیز مقدم داشته وسعی نموده اند ولوبا مقاومت منفی حقوق ملت را مصون ومحفوظ نگاه دارند و با این عمل همان وظیفه ای را که از و کلای ملت بایستی انتظارداشت بنحو احسن انجام دهند(اسلامی- صحیح است.)

ازتصویب قانون ۲۹ مهرماه ۱۳۲۶ متجاوز از سه سال میگذرد ودولت ما نتوانسته اند حقوق ملت ایران را ازشرکت نفت استیفاء کند برفرض اینکه باردولت مأمورشود که استیفای حقوق ملت را بکند درماههای آخر دوره که نمایندگان کرفتار انتخابات میشوند دولت همین لایحه را باچند ماهیون کرده اند بتصوراینکه نمایندگان وکالت را بحقوق ملت ترجیح میدهند ولایحه را تصویب نموده اند ودر مجلس پیشنهاد میکند.

اینجانب که میخواهم بگویم ملت ایران را نادانان باید زمین وتعریف بکنم باشد که نمایندگان ملت ملتم ملت را ازنظر دور کنند ووظایفی که خود باید انجام دهند بهیچ [illegible] دولتهای دست نشانده و ناتوان محول نمایند [illegible] درمقابل نمایندگان خارجی را [illegible] مجلسهای ایران نگذارند [illegible] ملتم ملت [illegible] دولت [illegible]

[illegible] ۱۹۳۳ [illegible]

[illegible]

تقسیم [illegible]

دوره اول — دوره اول از ۲۹ آوریل ۱۹۳۲ شروع و به ۲۹ آوریل ۱۹۶۳ یعنی بدوسال پس از تاریخ انقضای قرارداد دارسی ختم میشود

دوره دویم- دوره دویم که در حقیقت از ۱۹۶۱ شروع میشود در اثر تمدیدمدت مندرجه ضمن قرارداد تحمیلی ۱۹۳۳ بهره‌برداری از وسایل کار و منابع نفتی که طبق قراردادارسی از آنسال کلا و بدون هیچ قید و شرطی متعلق بدولت ایران میشده است برای مدت ۳۲ سال دیگر تا ۱۹۶۳ بشرکت نفت واگذار گردیده ودر ازاء این واگذاری حتی طبق قرارداد الحاقی و در یك سال مالی شبیه بسال ۱۹۴۸ سالیانه ۶ر۱۸ میلیون لیره که کمتر از ۲۰ ملیون لیره سود سرمایه و استهلاك مصالح و وسایلی است که بهره‌برداری از آن بشرکت واگذار شده بدولت ایران پرداخت خواهد شد و با این ترتیب مدت ۳۲ سال بشرکت امتیازی بلا عوض داده شده و کوچکترین نتیجه‌ای غیراز ضرر عاید ایران نشده است

چون نظریات خود را کراراً در این باب بعرض آقایان نمایندگان محترم رسانیده ام اکنون عرایض خودرا بهمان دوره اول آنهم راجع باعتراضات فرعی معدود می کنم چه اعتراض اصلی همان بطلان قرارداد است که شامل دوره اول و دوم هردو میشود

در اینجا بمورد است که بعرض آقایان نمایندگان محترم برسانم که پرفسورژیمل استاد حقوق بین المللی نسبت ببطلان قرارداد ۱۹۳۳ چیزی ننوشته است علت این است که سؤالی در این مورد از نامبرده بعمل نیامده و نظریات اورانسبت بقابل ارجاع بحکمیت بودن ۲۵ ماده اعتراضی دولت بشرکت خواستار شده‌اند.

باتوجه باین خط مشی که توسط دولت ایران تعیین شده است آقای پرفسور ژیمل نسبت بموارد کهقابل طرح در حکمیت بوده نظریات خویش را ابراز داشته و هشت مورد را طبق مقررات قرارداد ۱۹۳۳ قابل طرح در حکمیت شناخته است و چون اینجانب مذاکره در قرارداد ۱۹۳۳ را که اصلا منعقد نشده و باطل است مفید فایده نمی دانم فقط بذکر پاره‌ای از مواد که یا بضرر ایران تفسیر یا در مواردی که منافعی برای ایران در و داشته بضرر ما تفسیر شده است اکتفا میکنم و نظر آقایان نمایندگان را باین نکته متوجه میسازم که اگر قرارداد بیرون باطل هم نبود با توجه بمقررات مفید و ویرانی که در اثر سوء اجرای آن متوجه کشور شما است ضرورت داشت که ملت ایران از اصل حاکمیت حقوق تجدید نظر تردیدهر مقرراتی استفاده نموده وامکان کردن صادرات نفت کریبان خویش را از دست شرکت نفت خلاص نماید

(اسلامی- درهمین که نفت مطرح است آقای رئیس الوزراء و کابینه موردا باید حاضر باشند چون اهمیت [illegible] دولت [illegible] میشه‌های ملت [illegible]) [illegible]

دکتر کاشمی [illegible]

مکی [illegible]

مثال قناعت میشود

الف- موادی که در قرار داد بضرر ملت ایران تنظیم شده است

از جمله موادی که برخلاف مصالح ایران تنظیم شده است ماده یازدهم میباشد که طبق آن شرکت متعهد میشود که از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۷ یعنی در ۱۵ سال اولی که از تاریخ تحمیل قرار داد میگذرد از بابت هر گونه مالیات و عوارض که در آنموقع بر قرار بوده و یا در آتیه وضع و بر قرار شود برای هر تن از شش میلیون تن اول ۹ پنس و برای هر تن مازاد آن ۶ بر آن پنس بپردازد و بعلاوه هیچوقت جمع این مبلغ از ۲۲۵ هزار لیره در سال کمتر نگردد و از ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۲ یعنی ۱۵ سال دویم مبلغ پرداختی بابت هر گونه مالیات و عوارض موجود و یامالیات وعوارضی که بعداً وضع شود برای هرتن از شش میلیون تن اول یك شلینك و برای هرتن مازاد بر آن ۹ پنس یعنی ۳ چهارم شلینك بوده و جمع این پرداختی نیز از ۳۰۰ هزار لیره کمتر نگردد

با این ترتیب در یکسال مالی شبیه بسال ۱۹۴۸ که شرکت طبق بیلان خود که مورد رسیدگی و تصدیق دولت ایران واقع نشده ۶۲ میلیون لیره عایدی داشته است دولت ایران بگفته آقای غلامحسین فروهر وزیر دارائی در حدود یك میلیون و چهار صد هزار لیره یعنی ۲۱ مرتبه کمتر از ۲۸ میلیون لیره ای که در سال مزبور دولت انگلیس بعنوان مالیات گرفته دریافت کرده است

چنانچه قرارداد دارسی اجرا میشد برای یك سال مالی شبیه بهمان سال ۱۹۴۸ و نرخ مالیاتی فعلی (۵۰ درصد) حق دولت ایران بابت مالیات آنهم فقط از شرکت نفت به ۳۱ میلیون لیره بالغ میگردید

اما برای ۳۰ سال رویهم یعنی از ۱۹۶۳ تا ۱۹۹۳ آقای غلام حسین فروهر وزیردارائی بقسمت آخر ماده ۱۱ قرارداد بشرح زیر تنظیم شده است:

«قبل از سنه ۱۹۶۳ راجع بمیزان مبالغی که کمپانی دارای مملکت کامل عملیات خود در ایران از درآمد هر گونه مالیاتی بنفع دولت و یا ادارات محلی در مدت ۳۰ سال دویم که منتهی بسنه ۱۹۹۳ می شود باید بپردازد [illegible] اتفاق نظر حاصل خواهند نمود [illegible] استناد نموده و درآمد ایران خود که در پاسخ بسؤال این جانب بکمیسیون اقتصادی جلسه [illegible] راجع بتمدید مدت امتیاز و نظر دولت درباب استیفای حقوق ایران در مدت ۳۰ سال تمدید [illegible] می گردد که ۳۰ سال تمدید [illegible] ایران از ۱۰ سال دیگر شروع می شود و بطوریکه [illegible] دادند که بموجب قرارداد ۱۹۳۳ و که بموجب قرار داد الحاقی حقوق دولت ایران [illegible] ۳۰ [illegible] ۱۰ [illegible]

[illegible]

امیدواری کرده‌اند که قبل از سنه ۱۹۶۳ وزیر دارائی ایران خواهد توانست جبران خسارت ۳۲ سال تمدید مدت را برسبه وضع مالیات برای ۳۰ سال دویم بنماید ولی معلوم نکرده اند چرا خودشان که فعلا استیفای حقوق ملت ایران بدست ایشان سپرده شده حاضر شده اند (طبق قرار داد الحاقی = کمیسیون نفت آن را [illegible] آراء رد کرده است) حد اکثر فقط سه پنس برمالیات هرتن بیافزایند و میزان آن را از ۹ پنس به ۱۲ پنس یعنی ۱ شلینك تضمین شده بطلا برسانند وچون همیشه محل قبلی مبنای افزایش‌های بعدی قرار خواهد گرفت مسلم است که درصورت ادامه قرار داد تحمیلی ۱۹۳۳ وقرار داد الحاقی وزیر دارائی آتیه ایران نخواهد توانست برای افزایش مالیات بر درآمد ایران بیش از چند پنس بدست آورد زیرا در یك سال مالی شبیه به ۱۹۴۸ که شرکت عواید خود را در ازاء فروش ۵ر۲۳ میلیون تن نفت ۶۲ میلیون لیره قلمداد کرده است (و بافرض نرخ مالیاتی ۵۰ درصد) یك شلینك تضمین شده بطلا بعنوان مالیات پرداخته و حال آنکه میزان مالیات هر تن بر اساس اعداد بالا مساوی ۲۷ شلینك می شده است زیرا سهام مالیاتی ایران از قرار پنجاه در صد عایدات شرکت مساویست با ۳۱ میلیون لیره و بنا بر این مالیات در یافتی از هرتن بشلینك از این قرار میشود :

۲۷ = ۰۰۰ر۵۰۰ر۲۳ : ۰۰۰ر۰۰۰ر۳۱

شلینك بالادر حدود ۱۸ برابر مالیاتی است که ضمن قرارداد الحاقی با در نظر گرفتن تضمین بطلا دولت ایران پذیرفته است.

مثال دیگر - قیمت مواد نفتی برای فروش در ایران بر اساس قیمت نفت خلیج مکزیك و خلیج رومانی با تخفیف ۱۰ در صد برای مردم و ۲۵ در صد برای دولت تعیین شده است و حال آنکه قیمت تمام شده نفت ایران که یکی از غنی ترین و کم خرج ترین منابع دنیا است درحدود [illegible] یك سوم قیمتهای دو خلیج [illegible] است.

بنابراین دولت ایران حق [illegible] مصرفی خود کمتر از منابع کشور استخراج میشود باید سود دلخواهی بنفع توسعه اقتصاد باشد و منابع مملکتی و بنفع [illegible]

مثال دیگر از مواد مضره پیش دولت ایران [illegible] از [illegible] حقوق گمرکی و عوارضی است که [illegible] ۱۰ [illegible]

عمل شده است.

فقره سوم از ماده ۱۶ قرار داد راجع بتقسیط مستخدمین غیر ایرانی از اینقرار است. (طرفین موافقت مینمایند دراین که طرح عمومی مطالعه وتهیه نمایند که بر طبق آن هرسال وه تمامستخدمین غیر ایرانی را تقلیل داده وبجای آنها بطور تصاعدی در کوتاه ترین مدت ممکن ازاتباع ایرانی بگمارند.)

بنابراین اصل بوسانتاژ که در طرح عمومی قائم مقام اصل نقصان تصاعدی شده بر خلاف نص قرارداد می باشد.

چنانچه ماده بالا از روی حسن نیت عمل شده بود و دو هزار نفر کارمند خارجی نفت همه ساله صد نفر کسر شده وبجای آنها از کارمندان ماهر ایرانی گماشته شده بود درسال ۱۹۴۷ یعنی پانزده سال پس از اجرای قرارداد تعداد کارمندان غیر ایرانی شرکت به ۵۰۰ نفر تقلیل می یافت وحال آنکه تفسیر خلاف نص شرکت نفت یعنی اصل بوسانتاژ که هیچگاه بتصویب هیئت دولت هم نرسیده است باعث شده که تعداد کارمندان خارجی شرکت از ۲۰۰۰ نفر در سال ۱۹۳۳ به ۴۲۰۰ نفر در سال ۱۹۴۷ بالغ گردد و بنا بر این بجای آنکه تعداد آنها معادل یك ربع شود بیش از دوبرابر گردیده است.

توضیح آنکه اگر برای حقوق ماهانه هرمستخدم خارجی بطور متوسط یك صد لیره در نظر بگیریم در سال ۱۹۴۷ که بحساب بالا تعداد کارمندان خارجی بجای ۵۰۰ نفر به ۴۲۰۰ نفر بالغ شده است مبلغی در حدود ٤ ملیون لیره بجای این که ایرانیان از آن استفاده کرده باشند خارجی ها استفاده نموده اند.

جمع مبالغ بالا در ظرف ۱۵ سال ۱۹۳۳ در حدود ۳۱ ملیون لیره وچنانچه بلیره تنزل یافته حساب کنیم ٤٦ ملیون لیره می شود.

این تفسیر غلط شرکت باعث شده که همواره ایرانیان از عضویت فنی شرکت بر کنار نگاهداشته شوند و در نتیجه رفتار ناهنجار شرکت و تبعیض که بین ایرانیان ردیف اول و کارگران انگلیسی می شود از کلیه مهندسین ایرانی که بر اساس مواد قرار داد در خرجه تحصیل کرده و بکارهای شرکت گماشته شده اند بیش از معدودی از آنها در خدمت شرکت باقی نمانده و بقیه با حقوق های کمتر و شرایط زندگی سخت تری در کارهای دیگری رفته اند.

مثل دیگری که قرار داد ۱۹۳۳ را بضرر ایران تفسیر کرده اند رسیدگی بحسابهای شرکت است.

توضیح آنکه بعلت عدم صلاحیت قرار داد رسیدگی بحسابهای شرکت یکی از اعمال این حق که نتیجه مذاکرات مشاورین دولت در سمت شرکت است جلوگیری کرده و این تفسیر غلط که از مواد اختلاف دولت ایران و شرکت نفت بوده باطل پرسود ایران از مواردی است که دولت ایران در [illegible]

[illegible]

و باز یکی از مواردی که شرکت قرار داد ۱۹۳۳ را بضرر ما تفسیر کرده است بند ۵ ماده ۱۰ قرار داد نامبرده مربوط بتضمین طلا میباشد. توضیح آنکه بر طبق قسمت الف از بند پنج ماده ۱۰ هرگاه موقتی قیمت طلا در لندن از شش لیره استرلینگ (یعنی ۱٤٤۰ پنس) در مقابل یك اونس تروی تجاوز نماید برای هرپنس افزایش ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ بهمان نسبت برمبالغ محاسبه شده بابت مالیات و حق الامتیاز بایستی اضافه شود و البته در موقع عقد قرار داد بازار فروش طلای آزاد در لندن وجود داشته ولی پس از شروع بجنك بازار آزاد طلا بعلت تنزل تدریجی لیره از بین رفته و نرخ رسمی طلا جانشین نرخ واقعی آن شده است و چون شرکت نفت هم بر اساس این نرخ رسمی اضافه حق دولت ایران را محاسبه و پرداخت نموده لذا در نتیجه تفاوتی که بین نرخ رسمی و نرخ واقعی طلا بوده دولت در حدود ۱۵ ملیون لیره متضرر شده است.

این تفسیر بر خلاف منطق سبب شده است که پرفسور ژیدل ووان زیلاند متفقا تفسیرش کت را غیر عادلانه تلقی کنند ومراجعه بحکمیت را برای دولت ایران صلاح اندیشی نمایند.

نگفته نمیگذارم بجای اینکه قرار داد الحاقی حق الامتیاز و مالیات دولت را بر اساس طلای شمش تضمین نماید و اسمی از لیره نبرد که قیمت رسمی آن با قیمت واقعی طلا مورد اختلاف واقع شود ماده تضمین طلا را بر طبق نظر شرکت و بر خلاف حق تفسیر کرده است.

توضیح آنکه ضمن قسمت ب ماده ۳ قرارداد الحاقی مربوط بافزایش ۲ شیلینگ برای حق الامتیاز هر تن و قسمت به ده ۷ همان قرارداد در باره افزایش ۳ پنس بر مالیات هر تن نفت استخراجی که علاوه بر شش میلیون تن بوده باشد شرکت نفت با تکیه بعطف بما سبق مقررات قرارداد الحاقی را برای سال ۱۹٤۸ قبول نموده و میزان بدهی خود را از بابت اضافت بالا که بر طبق تضمین شده است بوجه نقدی محاسبه و در قرارداد تعدیل کرده است.

در این محاسبه برای تبدیل لیره تضمین شده بطلا بلیره نقدی شرکت از نرخ رسمی استفاده برده و با این ترتیب نفت خودرا که مورد اختلاف دولت ایران بوده بطور خالص مسجل و مفتخر نموده است.

از موارد دیگری که قرارداد در [illegible] برای تعیین حقوق [illegible] ایران موجب تضییع حق آن شده است [illegible] ۲۲ قرارداد [illegible] دیوان داوری [illegible] بین المللی [illegible] حکم [illegible] باشد.

[illegible]

و بنابراین [illegible]

طبق مقررات حکمیت در ایران سر حکم را تعیین می کرده اند ولی طبق بند ۵ ماده ۲۲ قرارداد ۱۹۳۳:

«اگر یکی از طرفین قسمت روز بعد از وصول تقاضای حکمیت طرف مقابل حکم خود را تعیین نکرد ویا تعیین آنرا بطرف دیگر ابلاغ ننماید طرف مزبور حق خواهد داشت که از رئیس دیوان داوری دائمی بین المللی (یا از نایب رئیس در موردی که مطابق قسمت اخیر جزو پیش بینی گردیده) تقاضا نماید که یك حکم منفرد ذیصلاحیت مطابق مقررات مذکور در فوق تعیین کند و در این صورت اختلاف موجود بوسیله حکم منفرد مزبور قطع وفصل خواهد گردید».

ه ۰۰۰۰۰ وقت و محل حکمیت را بر حسب مورد حکم ثالث یا حکم منفرد مذکور در جزو ه معین خواهد کرد ۰۰۰۰۰۰

وبا این ترتیب محل حکمیت و قانون آن میتواند خارج از ایران بوده و یا مقررات قانون حکمیت ایران نیز موافقت نداشته باشد و این امر نیز علاوه بر زیان مادی که در مورد دعاوی ایران با توجه بنفوذ نسبی دولت انگلیس و دولت ایران در مجامع بین المللی در بردارد در حقیقت با حق حاکمیت دولت ایران نیز مباینت داشته است زیرا دولت ایران که شاکی فرض شده و حکم خود را معین کرده است با این ترتیب از حق تعیین حکم خود نیز محروم گردیده و سرنوشت دعاوی خودرا بدست حکم منفردی که بطن قوی و طبق ناموس طبیعت از نظریات دولت انگلیس پشتیبانی خواهد کرد سپرده است.

معایب و مضار قرارداد ۱۹۳۳ که بعرض مجلس شورایملی رسید منحصر بموارد فوق الاشعار که فقط بعنوان مثال ذکر شده نیست چه بسیاری از موارد دیگر از قبیل امتناع شرکت از پرداخت حق دولت راجع بمواد نفتی مصرف شده در خود شرکت که در سال ۱۹٤۷ بالغ بر ۵ را ۰ ملیون تن یعنی دو برابر مصرفی تمام کشور ایران بوده است وجود دارد که از ذکر جانب برای اجتناب از اطاله کلام حتی از اشاره بآنها خود داری کرده ام و هر شخص منصفی که بر پیچیدگی های اجرای امتیاز نفت پی برد تصدیق خواهد نمود که تنظیم قراردادی که منافع و مشاغل ایران را تامین کند با اوضاع کنونی ایران و مشکلات [illegible] خصوصیت های دولت [illegible] بالخصوص که [illegible] سهم شرکت [illegible] بدست آن دولت است [illegible] مشکل [illegible] و [illegible] که ممکن باشد تنظیم [illegible] را تضمین کند [illegible] دولت [illegible] (صحیح است)

[illegible]

می باشد که ارزش آن هم در مقابل نتیجه مهمی که از ملی کردن نفت عاید ایران میشود قابل توجه نیست.

اگر فرض کنیم که شرکت نفت بحکمیت ارجاع کند ودیوان داوری دائمی بین المللی طبق بند «د» ماده ۲۲ قرارداد تحمیلی ۱۹۳۳ حکم واحدی تعیین کند که صد در صد هواخواه سیاست انگلیس هم باشد باوضعیت فعلی بازهم نتیجه حکمیت بمراتب بهتر از وضعیت کنونی خواهد بود

آن هائی که بیم دارند ایرانیان نمی توانند از منابع نفت جنوب مثل شرکت نفت بهره برداری کنند نگرانیشان بیمورد است و بر فرض این که بجا باشد چون تاکنون ملت ایران از آنچه شرکت پرداخته سودی نبرده وزیان اعمال نفوذ ها و خراب کاری های شرکت رانیز متحمل شده است در حقیقت خسارتی نخواهد برد بلکه برعکس در اثر کوتاه شدن دست شرکت از منابع نفتی ما کشور ایران از عملیات و تحریکات خائنان بر انداز و زیان بخش شرکت مصون مانده و پیای توانای ملت خواهد توانست ظرف مدت کوتاهی راه تمدن و پیشرفت و ترقی را پیموده و خود را به جلوداران تمدن امروزی عالم برساند.

اما حقیقت این است که کشور ایران دچار هیچ گونه ضرر اقتصادی و ارزی هم در اثر ملی کردن صنعت نفت نخواهد شد زیرا اگر فرض کنیم که ایرانیان بجای ۳۰ میلیون تن استخراجی شرکت در سال ۱۹۵۰ فقط ده ملیون تن نفت استخراج کنند و برای هرتن که شرکت یك لیره خرج می کند دو لیره مصرف نمایند باز هم بر اساس فروش هر تن ۵ لیره (که قیمت فرضی خلیج فارس خواهد بود) دولت ایران ۳۰ میلیون لیره عایدی خواهد داشت و حال آنکه با استخراج ۳۰ میلیون تن در سال ۱۹۵۰ و طبق اظهار وزیر دارائی عایدی دولت ایران حداکثر ۲۵ میلیون لیره خواهد گردید و تازه هم ۲۰ میلیون تن نفت باقی مانده که صد میلیون ارزش دارد ذخیره خواهد ماند تا فرزندان آتیه ایران بتوانند از آن بنفع خود بهره برداری نمایند.

محاسن و برتریهای دیگری که اهمیت اساسی دارد و با ملی کردن صنعت نفت تامین خواهد شد این است که:

(۱) — دولت و ملت از اعمال نفوذهائی که شرکت و دولت انگلیس معمول داشته و شمه از آن را در جلسه یك شنبه ۱۲ آذر ماه ۱۳۲۹ به عرض مجلس شورای ملی رسانیدم مصون خواهد ماند.

(۲) — سایر کشور ها هم بهانه ای برای تقاضای این قبیل امتیازات که با استقلال و تمامیت مملکت متعرض است نخواهند داشت و ملت ایران خواهند توانست راه ترقی را بدون هیچ گونه اعمال نفوذ و موانع خارجی در محیط صلح و صفا به پیمایند.

در این جا لازم می دانم مجدداً از بشت تریبون مجلس شورایملی بنام ملت ایران از کلیه وکلای وطن پرست دوره چهاردهم و پانزدهم و مجلس فعلی وهمچنین حزب ایران وافرادی که در راه روشن شدن اذهان عمومی نسبت بموضوع حیاتی نفت با نطق ها و خطابه ها و انتشارات و تالیفات خود با صرف وقت ابراز علاقه نموده اند صمیمانه تشکر نمایم و همچنین بحزب استقلال واحزاب وروزنامه های ملی ودانشجویان ودستجات و اصناف وهمچنین افرادی که در راه استیفای حقوق ملت از جبهه ملی پشتیبانی نموده اند تقدیر و تشکر نموده و اطمینان دهم که ملت بیدار و پاك نهاد ایران هیچ وقت خدمات صادقانه آن ها رافراموش نخواهد نمود و آنان نیز در راه خدمتی که در پیش گرفته اند به یاری خدای متعال توفیق حاصل خواهند نمود.

فرار از یاس وسعی در انجام خدمات ملی دو علاج واقعی دردهای بی درمان این کشور ستمدیده است و من بشما وملت ایران دراختیار این راه صواب تبریك و تهنیت می گویم در خاتمه برای این که نشان دهم که در اثر ملی کردن صنعت نفت هیچ گونه مزاحمت سیاسی ممکن نیست برای ملت ایران پیش آمد کند جریان مجلس شورایملی انگلستان را که مستر پیك تورن راجع بملی کردن صنایع در بیرمانی از وزیر امور خارجه انگلستان سؤال نموده است باطلاع نمایندگان محترم میرسانم

سؤال مستر پیك تورن - «آیا مستر بوین اطلاع دارد که در بیرمانی دولت فعلی آنجا میخواهد اصول سوسیالیزم را رواج دهد ومبداند کارخانجات وصنایع وشرکتهای انگلیس وآن قسمتی که انگلیسها در آن سهام دارند چه خواهد شد و سرنوشت آن چیست»

جواب بوین - مستر بوین وزیر امور خارجه انگلستان در پاسخ نماینده مجلس چنین جواب داده است «آنها کاملا تصمیم دارند که کارخانجات وصنایع راملی کنند وباپرداخت خسارت صاحبان سهام موافقت کرده اند ودر تمام بیانات خود اینموضوع را همیشه گفته اند وسیاستی را که میخواهند تعقیب نمایند اعلام نموده اند و مؤسسات راهم تصرف کرده اند ولی در موضوع پرداخت خسارات اخیرا چنین مستفاد می شود که میخواهند آن راهم تغییر دهند — من خیال میکنم که این مجلس هیچوقت نخواهد خواست که ما با دولت بیرمانی وارد مخاصمه شویم زیرا طبق منشور ملل متفق مواد خام در کشور متعلق بخود آن کشور میباشد ودر صورتیکه خسارات را بطریق صحیح وعادلانه بپردازند ما موافقت داریم ونمیتوانیم در امور داخلی کشوری هم مداخله داشته باشیم» (صحیح است)

نتیجه - باتوجه بنکات مهم واساسی بالا وحقایقی که ضمن آن روشن شده است دیگر جای هیچگونه نگرانی حتی برای ضعیف ترین مردم باقی نمیماند تا چه رسد بنمایندگان محترم مجلس شورایملی که هریك خودرا نماینده واقعی ده هاهزار نفر مردم این سرزمین میدانند ده هاهزار نفری که حتی یکنفر آنها حاضر نیست که دیناری از حقوق ملی خویش را باتوجه بنیازمندی کشور بدیگران واگذار نماید وبااین ترتیب اگر خودرا نماینده ملت میدانید راهی برای شماجز استیفای کامل حقوق ملت ایران از راه ملی کردن صنایع نفت در تمام ایران وجود ندارد ودر صورتیکه باتمام استدلالات روشن بالا وبخصوص نکته اخیر یعنی ملی شدن صنایع کشور بیرمانی که سرمایه های انگلیسی بکار افتاده توسط آنها بچندین برابر سرمایه بکار افتاده در شرکت نفت انگلیس وایران بالغ می شده است — باز هم در انجام این وظیفه ملی و وجدانی تعلل وتردید بخرج دهید دیگر هیچ اسمی بر آن نمیتوان گذارد ویقین است که هیچ یك از افراد ملت گرسنه وفقیر ایران این گناه را برما واعقابمان نخواهد بخشید ودیر یازود انتقام این تعلل و مسامحه وعدم انجام وظیفه نمایندگی را ازما واولاد و اعقابمان خواهد کشید.

مکی - نطق ایشان تمام شد یادداشتی هم ایشان با تلفن فرمودند بنده باستحضار آقایان میرسانم درخاتمه لازم میدانم از احساسات وطن پرستانه جنابان آقایان میرسید علی بهبهانی - عباس اسلامی - کاظم شیبانی که ازروی کمال وطن پرستی پیشنهاد نمایندگان جبهه ملی را امضاء فرموده اند تشکر واین احساسات پاك را تجلیل و توفیق ایشان را از خداوند متعال مسئلت مینمایم وپیشنهادی هم باامضاء ۱۱ نفر راجع بملی شدن صنعت نفت کرده ایم که از طرف جبهه ملی تقدیم می کنم که در موقعش قرائت بشود تقدیم مقام ریاست می کنم

دکتر بقائی - نگاه دارید آقای مکی شاید یك عده ای هم بخواهند امضاء کنند

۷- تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - وقت تمام شده است جلسه ختم میشود جلسه آینده روز سه شنبه دستور بقیه مذاکره درباره این گزارش خواهد بود

(مجلس چهل وپنج دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورایملی - **رضا حکمت**